

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلام. تقدیم به ساحت مقدس قرآن ناطق، امام مهدی موعود، عجل الله تعالی فرجه الشریف و تقدیم به سرباز خط مقدم حضرت در سنگر سیاست و فرهنگ، امام خامنه ای، دامت برکاته حتی الظهور و بعده لمدة طويلة؛ جزوه بررسی آثار ترجمه شده اسلامی (۲) - واحد اسرار، دانشگاه بین المللی امام رضا، علیه آلاف التحية و الثناء؛ ترم بهار ۹۴-۱۳۹۳؛ آخرین به روز رسانی: یکشنبه، ۱۷ خرداد ۱۳۹۴؛ مدرس و مؤلف: محمد یزدانی، عضو هیأت علمی گروه زبان انگلیسی

توجه! توجه!

در این نسخه، مواردی اصلاح، حذف یا اضافه شد و برخی موارد روشن تر بیان شد. تعدادی تصویر نیز برای ایجاد تنوع و جذابیت و فهم بهتر مطالب افزوده شد. جایگزین کردن نسخه ی قبلی - مخصوصاً اگر از آن چاپ گرفتید - ضروری نیست، زیرا تغییرات جدید در آزمون تأثیری ندارد. اما اگر این نسخه را بخوانید، هم مطالب آن دقیق تر است و هم روشن تر. تأکید می شود، این جزوه به لحاظ علمی دقیق تر و به لحاظ درک مطالب واضح تر است و تا حدودی کار شما را راحت می کند، اما اگر با نسخه قبلی راحتید، لازم نیست سراغ نسخه حاضر بروید؛ اما، در هر صورت، لطفاً بعد آزمون حتماً این نسخه را جایگزین کنید. موفق باشید. یا مهدی. اللهم عجل لولیک الفرج و احفظ قائدنا الامام خامنه ای حتی الفرج و بعده لمدة طويلة....

نکات مهم:

- در انتهای بحث هر سوره، بخشی تحت عنوان تعریف برخی اصطلاحات آمده است. توصیه می شود قبل مطالعه بحث هر سوره، ابتدا آن قسمت را بخوانید.
- آزمون تشریحی و کاملاً seen/از موارد کار شده خواهد بود. انواع سوال امتحانی در کلاس بحث شد. اما، محض یادآوری:
 - معادل انگلیسی کلمات عربی زیر را بنویسید.
 - تعریف انگلیسی کلمات انگلیسی زیر را بنویسید. (کلماتی که در جزوه یا تعریف شان ذکر شده یا از شما خواسته ام در فرهنگ لغت/یادداشت هایتان نگاه کنید)
 - ترجمه انگلیسی آیات زیر را بنویسید. (معادل نهایی تایید شده)
 - ترجمه های زیر را اصلاح کنید.
 - ترجمه های زیر را نقد کنید.
 - تعریف اصطلاحات زیر را بنویسید. (مثلاً، undertranslation)
 - این تعاریف مربوط به کدام اصطلاح ترجمه است؟ بنویسید.
 - برای موارد زیر مثال بزنید. (مثلاً، برای overtranslation مثال بزنید.)
 - در ترجمه های زیر چه نوع روش/استراتژی ترجمه استفاده شده است؟ (در قسمت نقد ترجمه در هر سوره مواردی وجود دارد. مثلاً، گاهی اشاره کرده ام که فلان معادل از روش بسط به دست آمده است و فلان معادل از طریق حرف نگاری....)
 - برای ترجمه مناسب و کامل هر کدام از آیات زیر کدام روش/استراتژی ترجمه لازم است استفاده شود؟ (مثلاً، برای ترجمه ی عنوان، از روش بسط و حرف نگاری و ترکیب/compounding همزمان استفاده می شود.)
 - آیا با مطالب زیر موافقت؟ استدلال کنید و دلیل موافقت یا مخالفت تان را ذکر کنید. (نمونه ی این نوع سوال: تمامی صفات الهی صفت محدودگرند. موافقت؟ چرا؟)



الف. سوره مبارکه حمد

متن کامل سوره

- | | |
|--|---|
| «به نام الله، که رحمان و رحیم است؛ | بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۱) |
| ستایش مخصوص الله است، پروردگار و مدیر جهانیان، | الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۲) |
| که رحمت گستر رحمت پرور است، | الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۳) |
| و صاحب و فرمانروای مطلق روز جزاست؛ | مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ (۴) |
| تنها تو را بندگی می کنیم و تنها از تو کمک می خواهیم؛ | إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ (۵) |
| ما را در طول جاده مستقیم هدایت بفرما- | اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ (۶) |
| جاده کسانی که به آنان نعمت (ولایت) عنایت کردی، | صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ |
| نه کسانی که مستوجب غضب(ت) شدند و نه ره گم کردگان.» | غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ (۷) |

عنوان: سوره الفاتحة: (Chapter, The Opening) Surah Al-Fātiḥah

- «ح» را به صورت 'h' نشان می دهیم تا با «ه» اشتباه نشود.
- خط روی a نشانه ی کشیده بودن صدای آن است.
- قسمت اول ترجمه، transliteration یا حرف نگاری است و برای ترجمه اسامی خاص و انعکاس فرهنگ مبدأ استفاده میشود و قسمت دوم ترجمه (داخل پرانتز) معادل گذاری در مقصد است، با هدف انتقال مفهوم و برقراری ارتباط با مخاطب در مقصد.

آیه اول

بسم الله الرحمن الرحيم: به نام الله، که رحمان و رحيم است؛

تحليل متن مبدأ/ ST Analysis

- **أبتدأ:** این سوره با ابتداء شروع می شود، که مستتر است. پس کامل است و واحد آن semi-clause است؛ شبه جمله است، چون فاعل و فعل آن مستتر می باشد؛ من آغاز می کنم. من: فاعل؛ آغاز می کنم: فعل.

الله:

- لفظ جلاله «الله» در اصل «ال إله» بود است و پس از ادغام به شکل حاضر در آمده است. اگر «ال» را حرف تعریف معرفه/ definite article در نظر بگیریم و «إله» را معبود معنا کنیم، بنابراین، «الله» یعنی تنها خدایی که به عنوان معبود در عالم وجود به رسمیت شناخته شده است.
- نیز الله از ریشه آله (معبود بودن) است. الله بر وزن فعال است - که صیغه مبالغه است. پس الله یعنی وجود نازنینی که تمام ویژگی ها و خصوصیات إله بودن (معبود بودن) را داراست و از تمام صفات سلبيه منزه است. الله کامل ترین نام خداست.

- با این اوصاف، نام جلاله «الله» قابل ترجمه نیست زیرا همه ی این ویژگی ها و ابعاد در ترجمه به God از بین می روند. توضیح: در قسمت نقد و

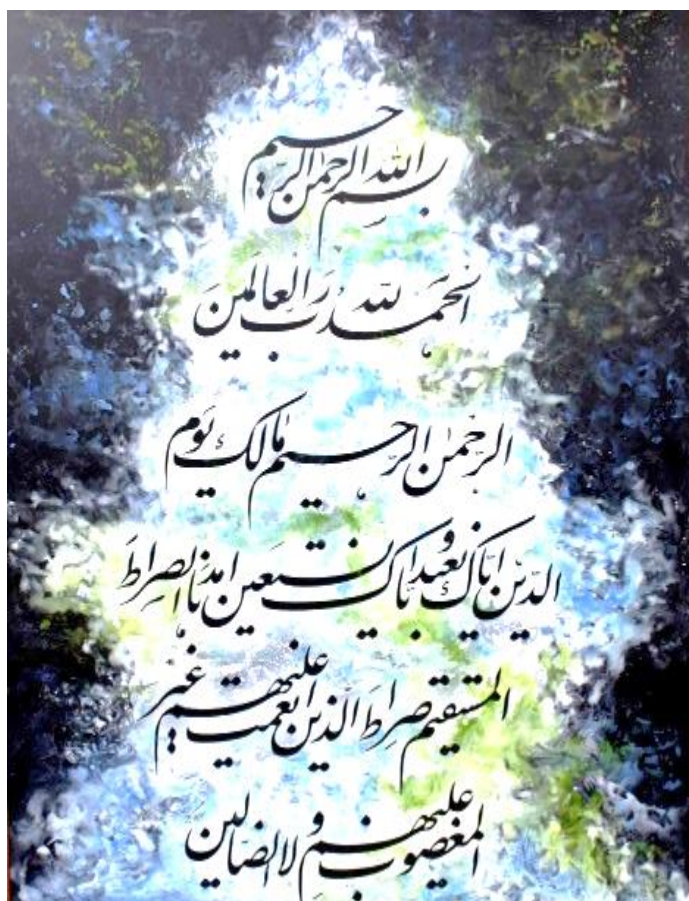
بررسی ترجمه/ TT Critical Analysis انگلیسی.

الرحمن الرحيم:

- رحمن و رحيم اکثرا به بخشنده و مهربان ترجمه می شود، اما معادلی دقیق تر از آن دارد. رحمن بر وزن فعلان صیغه مبالغه است، که گستردگی صفت را نشان می دهد - یعنی دارای رحمت گسترده - و رحيم بر وزن فعیل صفت مشبّهه است - که ثبات صفت را می رساند - یعنی دارای رحمت همیشگی. با توجه به این که در انگلیسی و فارسی معادلی نداریم که این معانی دقیق را برساند، «رحمان و رحيم» در فارسی و «Raḥmān and Raḥim» در انگلیسی، دقیق ترین معادلند.

- نام جلاله ی «الله» معرفه است. پس «ال» در الرحمن و الرحيم نیز نشانه ی معرفه است، چون صفت از موصوف تبعیت می کند. پس «الرحمن» و «الرحيم» نیز معرفه اند. در ترجمه دقت کنیم که آیا این ویژگی منتقل شده است یا نه. پاسخ: در قسمت

نقد و بررسی ترجمه/ TT Critical Analysis.



نقد و بررسی ترجمه / TT Critical Analysis

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ: به نام الله، که رحمان و رحیم است؛

In the Name of Allah, the Most Beneficent, the Most Merciful.

“In the Name of Allah, the Most-All-MercifulBeneficent, the Most-Ever-Merciful;”

“In the Name of Allah, the All-Merciful, the Ever-Merciful;”

• برای ترجمه ی «الله»، بهترین معادل، «Allah» است، زیرا:

- مستقیماً به خدای یگانه اشاره دارد و چند خدایی یا تثلیث (اعتقاد مسیحیت به اینکه خدا سه لایه دارد: خدای پدر، خدای پسر، روح القدس «جبرئیل») را تأیید نمی کند، پس مناسب تر است برای انعکاس مفاهیم قرآن مجید. روشن است که ما نمیتوانیم نامی توحیدی را با معادلی که رنگ و بوی شرک گرفته است (یعنی «God») ترجمه کنیم؛ «Allah» معادلی کاملاً توحیدی است.
- قاعده در ترجمه معمولاً این است: اسم خاص قابل ترجمه نیست. «Allah» اسم خاص است.
- از نظر مفهومی، تمامی صفات جمال و جلال الهی در «Allah» جمع است و آن را ترجمه ناپذیر کرده است، زیرا معادلی در انگلیسی موجود نیست که این ویژگی را دارا باشد. لذا، اینجا خلأ واژگانی/lexical gap داریم.
- از لحاظ phonological (آوایی)، «الله» صداهای نرم و لطیف و مهرآمیز دارد: دو صدای کلمه الله نرم است: لام و هاء. اما صداهای «God» انفجاری است، که خشونت را به حس القاء می کند: /g/ & /d/.

• سوال: ایراد معادل the Most Beneficent چیست؟ پاسخ:

- benefit یعنی خیر و سود و beneficent یعنی کسی که خیلی خیرش به دیگران میرسد: «خیر»؛ مثلاً، «خیر مسجد ساز/مدرسه ساز». اما در اینجا منظور از رحمن این است: «دارای رحمت عام»، پس از «Merciful» استفاده میکنیم.
- معادل the Most Beneficent از نوع compound است، اما به صورت جدا جدا نوشته شده است و ایراد دارد.
- معادل most در ترجمه «الرحمن» خیلی دقیق نیست، زیرا most با این که شدت رحمانیت خدا را می رساند، اما فراگیر بودن کامل آن را نمی رساند و حق ترجمه را ادا نمی کند. استفاده از All دقیق تر است و فراگیری رحمانیت را می رساند.

• سوال: آیا برای ترجمه ی «رحیم»، معادل the Most Merciful مناسب است؟ پاسخ: خیر:

- most شدت را می رساند و ربطی به دائمی بودن رحمت مورد اشاره ی «رحیم» ندارد؛ لذا، با جایگزین کردن ever، صفت مشابه به معنای رحیم بازسازی و مفهوم دوام و ثبات رحمت منتقل می شود؛
- معادل حاضر، ترکیب است و نیاز به خط تیره/hyphen دارد؛
- Merciful مناسب است زیرا از ریشه ی mercy به مفهوم رحمت است و هم مناسب رحمن است و هم رحیم زیرا این دو نیز از ریشه رحمتند.

• سوال: نام روش ترجمه در معادل the All-Merciful and the Ever-Merciful چیست؟ چرا از این روش استفاده می کنیم؟ پاسخ:

نام این روش، compounding/ترکیب است؛ در زبان مقصد، معادل تک واژگانی مناسبی وجود ندارد؛ پس از ترکیب استفاده کردیم.^۱

• سوال: بهترین روش برای ترجمه هنگام مواجهه با خلأ واژگانی چیست؟ پاسخ:

- همان طور که در قسمت تحلیل متن مبدأ/ST Analysis گفتیم، «در مطالعات ترجمه، وقتی خلأ واژگانی/lexical gap داریم – مثلاً اینجا – دقیق ترین روش ترجمه، استقراض/borrowing است.» اما چون مخاطب ما مخاطب عام است، در وامگیری محدودیت داریم و دلیل معادل گذاری در انگلیسی نیز همین است. وامگیری باعث غربت متن مقصد/TT در نظر خواننده ی عام می شود. خواننده ی عام با معادل گذاری از جنس زبان مقصد/TL بیشتر مأنوس است.

^۱ به بودن معادل یا فقدان معادل مناسب در مقصد lexical gap می گوئیم. نگاه کنید به بخش تعریف برخی اصطلاحات در پایان همین بحث.

سوره مبارکه فاتحه الكتاب، صفحه ی ۱۴ از ۱۳

- سوال: چرا در ترجمه رحمن و رحیم از ویرگول استفاده می کنیم؟ پاسخ: برای این که! ☺
اما پاسخ قانع کننده تر از «برای این که» این است: قاعده این است که معمولاً nonrestrictive adjective یا صفت غیرمحدودگر با ویرگول از جمله جدا میشود. به همین خاطر، the All-Merciful و the Ever-Merciful با ویرگول از قبل و بعد خود جدا می شوند. البته چون صفت the Ever-Merciful در انتهای جمله قرار گرفته است، آخر جمله، علامت نگارشی نقطه بند (؛) است، که به خاطر ارتباط آیه ی حاضر و آیه ی بعد است و ربطی به صفت غیرمحدودگر ندارد.



- سوال: چرا آخر ترجمه ی بسم الله الرحمن الرحيم، نقطه را حذف می کنیم؟ پاسخ:
نقطه ی آخر ترجمه، به نقطه بند تبدیل می شود زیرا «بسم الله الرحمن الرحيم»:
 - جزء متن سوره است؛
 - ارتباط نزدیک و مستقیمی با ادامه ی آن دارد.
- سوال: چرا ابتدای ترجمه «بسم الله الرحمن الرحيم» از گیومه استفاده شده است؟ پاسخ:
 - اولاً، کل قرآن مجید یک نقل مستقیم از خدای متعال توسط پیامبر اکرم، صلی الله علیه و آله و سلم، است و بلکه از نقل قول مستقیم هم بالاتر: حضرت محمد، صلی الله علیه و آله و سلم، حتی «قل» و «یا ایها الرسول» و که خطاب به خود ایشان است را نیز دست کاری نکرده اند و همه ی الفاظ الهی را بی کم و کاست و تغییر به مردم رساندند. به همین دلیل، ما هم از ابتدای «بسم الله الرحمن الرحيم» هر سوره تا انتهای آن را داخل دو گیومه می گذاریم تا واقعیت فوق را منعکس کنیم.
 - ثانیاً، «بسم الله الرحمن الرحيم» جزء سوره و متن آن است و هر بسم الله الرحمن الرحيم در واقع یک تجلی و مفهوم جدید است و تکراری نیست. برای این که این پیوستگی و انسجام را برسانیم، بسم الله الرحمن الرحيم را در ترجمه داخل گیومه می گذاریم تا بگوییم جزء متن است.
- سوال: چرا پنجره بازه؟ چرا کتری رو گازه؟ پاسخ: این سوال در امتحان نمی آید؛ نگران نباشید؛ حذف است! ☺

آیه دوم

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ : ستایش مخصوص الله است، که پروردگار و مدیر جهانیان است،

تحلیل متن مبدأ/ ST Analysis

- این آیه آغاز یک کلاز (جملان = clause) جدید است، که البته این جملان در آیات بعدی ادامه دارد و بعداً کامل خواهد شد.
- نهاد یا subject این آیه «الحمد» است، زیرا می خواهیم درباره آن خبر بدهیم و گزاره آن «الله رب العالمین الرحمن الرحیم مالک یوم الدین» است، که در آیات بعدی تکمیل می شود.
- «ال» در کلمه الحمد ال استغراق است. استغراق یعنی پوشش کامل مصادیق (full inclusion). (توضیح کامل در بخش تعریف برخی اصطلاحات). الحمد لله یعنی تمام حمد مخصوص الله است؛ به عبارتی، حمد غیر از خدا مقصد دیگری ممکن نیست داشته باشد، چون انسان فطرتاً خداجو است و حتی اگر به ظاهر تصور کند دارد شخص دیگری را حمد می کند، در باطن فطری خود مشغول حمد الهی است. با توجه به قرآن مجید که می فرماید: یسبح الله ما فی السماوات و ما فی الارض، متوجه میشویم که همه چیز در عالم تسبیح خدا را میگویند و در کل عالم هستی از ازل تا ابد حمد برای غیر خدا ممکن نیست رخ دهد، نه این که نباید رخ دهد و اینجا منع شده باشد.
- «ال» در العالمین هم ال استغراق است، پس یعنی همه ی عالمیان/عالم ها.

سوره مبارکه فاتحه الكتاب، صفحه ی ۱۵ از ۱۳

- mood این سوره اخباری/declarative است، یعنی الحمد لله رب العالمین خبر از حقیقت عالم وجود است، نه این که دعا یا تشریح باشد.^۲
- الحمد: حمد در قبال کمالات شخصیتی و وجودی افراد است و شکر در قبال نعمت ها و احسان است.
- رب: پرورش دهنده؛ مدیر؛ صاحب؛ مالک... در این مورد نیز در مقصد خلأ واژگانی/lexical gap داریم اما چون مخاطب عام مورد نظر است، از معادلی مقصد-محور، مثل Lord، استفاده می کنیم، اگر چه دقتش به اندازه ی Rabb نیست، اما برای مخاطب عام روشن تر است.

نقد و بررسی ترجمه/TT Critical Analysis

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ : ستایش مخصوص الله است، که پروردگار و مدیر جهانیان است،

Praise be to Allah, Lord of the Worlds.

All praise belongs to Allah, the Lord of the All Worlds.

All praise belongs to Allah, the Lord of All Worlds,

- سوال: وجه/mood الحمد لله رب العالمین چیست؟ آیا در ترجمه درست منعکس شده است؟
- پاسخ: declarative است اما praise be (حمد...باد) التزامی یا subjunctive است و درست نیست. پس از belongs استفاده می کنیم زیرا وجه اخباری را منعکس می کند، به دو دلیل:
 - به صورت حال ساده آمده است و گزارش واقع/حقیقت با این زمان فعل (tense) انجام می شود؛
 - مفهوم تعلق داشتن و خاص کسی بودن، وجه اخباری و خبر از واقع را روشن تر می کند.
- به Lord باید the را اضافه کنیم چون خدا یکیست و معرفه است: تنها رب العالمین اوست و Lord بدون حرف تعریف ناقصست و این دو مفهوم را نمی رساند.
- ال استغراق در الحمد و در العالمین منعکس نشده است. در ویرایش ترجمه، اضافه کردن all در هر دو مورد مشکل را حل کرده است.
- «العالمین» به همه ی عوالم مخلوق خدای متعال اشاره دارد. ما همه ی این جهان ها/جهانیان را نمی شناسیم؛ بنابراین، ترجمه ی «ال» به the اشتباه است و «ال» استغراق را به «ال» معرفه/definite article تبدیل می کند. جایگزینی all، راه حل ماست.
- انتهای آیه حاضر، نقطه درست نیست، زیرا هنوز predicate (گزاره) کامل نشده است و در دو آیه دیگر کامل خواهد شد. بنابراین از ویرگول استفاده می کنیم.



آیه سوم

الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ: که رحمان و رحیم است،

تحلیل متن مبدأ/ST Analysis

- این آیه به لحاظ لغوی مشمول توضیحات «بسم الله الرحمن الرحيم» می شود.
- اما به لحاظ ساختاری، «الرحمن الرحيم» بدل است برای «رب العالمین»؛ این آیه، در مجموع، modifier/توصیف کننده است برای «رب العالمین».
- بنابراین، وابسته به ماقبل خود است و در بخش نقد و بررسی خواهیم دید که قبل آن (= انتهای آیه قبلی) ویرگول می گذاریم.

^۲ البته از این جمله تکوینی (بیان واقع) می توان وظیفه بندگی را هم نتیجه گرفت: پس باید فقط او را حمد کنیم و عقیده و کلام و عمل را مطابق این حقیقت عالم وجود تطبیق دهیم.

نقد و بررسی ترجمه / TT Critical Analysis

الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ: که رحمان و رحیم است،

the most beneficent, the most merciful.

~~The Allmost-beneficent Merciful, the Evermost-M-merciful;~~

The All-Merciful, the Ever-Merciful,

- صفات و ضمائر و اسامی خداوند متعال همواره /capitalized/بزرگ نگاشته ثبت می شوند؛ چون رحمن و رحیم، صفات حضرتند، بزرگ نگاری^۳ می کنیم.
- همه ی آیات قرآن مجید با حرف بزرگ شروع می شود حتی اگر ادامه ی جمله ی قبلی باشند، مثل اینجا.
- چون این آیه هنوز ادامه دارد و گزاره/predicate، هنوز کامل نشده است، نقطه اشتباه است. «مالک یوم الدین» که بعداً خواهد آمد، بدل و وابسته به ماقبل است؛ لذا، با ویرگول انتهایی این آیه، از موصوفش جدا می شود.

آیه چهارم

مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ: صاحب/فرمانروای (مطلق) روز جزا؛

تحلیل متن مبدأ / ST Analysis

- مَالِكِ - و در برخی نسخه ها، مَلِكِ - هر دو از ریشه «م-ل-ک» هستند. اما اولی از ریشه مَلِك (صاحب بودن) و دومی از ریشه مُلْك (فرمانروا/پادشاه بودن) است. بنابراین، اولی = صاحب؛ دومی = فرمانروا.
- «یوم» در اینجا مرحله ای بسیار طولانی تر از شبانه روز ۲۴ ساعته ی ماست؛ در ترجمه دقت کنیم.
- دین در اینجا با دین به معنای اعتقادات اشتباه گرفته نشود. اینجا دین یعنی (بازگشت) جزا.
- این آیه توصیف گر modifier است برای «رب العالمین» و چون پایه ی این توصیف گر، اسم است، پس این آیه نقش بدل دارد.
- بنابراین، این آیه به قبل خود وابسته است؛ لذا، در ترجمه ی آیه قبلی، از ویرگول استفاده کردیم.

نقد و بررسی ترجمه / TT Critical Analysis

مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ: صاحب/فرمانروای (مطلق) روز جزا؛

The Possessor of the Day of Doom,

The ~~Possessor-Master~~ of the Day of ~~Doom~~Recompense;

The Master of the Day of Recompense;

- کلمه ی اول این آیه، در برخی نسخه ها مَالِكِ و در برخی مَلِكِ است. ما مطمئن نیستیم، ترجمه ما زیر کدام نسخه قرار می گیرد؛ لذا، هر دو را در نظر می گیریم.
- لذا، معادل possessor ناقص و جایگزین خوب آن master است - که هم معنای فرمانروا و هم صاحب را می رساند. اما معادل possessor یکی از معانی را حذف/فیلتر می کند و نوعی overtranslation/ترجمه از عام به خاص است.^۴
- قرآن مجید متناسب با مطلب و جایگاه کلام، هر جا با اسمی خاص از قیامت یاد کرده است: یوم الحسرة، یوم الحساب، یوم التغابن. پس استفاده از نام یوم الدین برای روز قیامت هم مبنای textual context (بافت متنی) دارد (= متناسب است با بافت متنی ای که در آن قرار گرفته است) (روز جزا، او مَالِكِ او مَلِكِ است، پس سر و کار ما با اوست؛ پس او را بندگی می کنیم و لا غیر). لذا، باید نام روز قیامت اینجا دقیق ترجمه شود و به مصداق اکتفا نکنیم - معادل Judgment Day یا Doomsday واضح و رایجند اما دقیق و مقبول، نه: مصداق را می رسانند، اما معنی را تغییر می دهند.

^۳ بزرگ نگاری/capitalization: بزرگ نوشتن حروف اول کلمه/کلمات، با هدف نشان دادن خاص/proper بودن کلمه، اول جمله/آیه بودن آن یا سایر اهداف.

• ^۴ overtranslation همان ترجمه از مفهومی عام تر است به مفهومی خاص تر. در این ترجمه، دایره معنایی مفهوم کلمه کوچک تر می شود و به همین دلیل نوعی فیلتر محسوب می شود؛ (توضیحات کامل تر در بخش تعریف برخی اصطلاحات).

سوره مبارکه فاتحه الكتاب، صفحه ی ۱۷ از ۱۳

- the Day of Doom اگرچه مصداقاً به روز قیامت اشاره دارد، اما semantically (به لحاظ مفهومی) با معنای «يَوْمُ الدِّينِ» فاصله ی بسیار دارد.
- خلاصه این که ایرادِ the Day of Doom از این قرار است:
 - معنای آن یعنی روز محتوم و با متن مبدأ متفاوت است؛
 - tone آن منفی است، در صورتیکه tone «يَوْمُ الدِّينِ» خنثی است.
- کلمه ای که از هر لحاظ مناسبتر است، «the Day of Recompense» است، که معنای آن «روز (بازگشت) جزاست - چه جزای مثبت و چه منفی؛ پس خنثی است، مثل متن مبدأ، و لحن/ tone خنثی را حفظ و به TT منتقل می کند.

آیه پنجم

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ: تنها تو را بندگی می کنیم و تنها از تو کمک می خواهیم؛

تحلیل متن مبدأ/ ST Analysis

- «إِيَّاكَ» به معنای «تو» (ضمیر منفصل/جدا) است:
 - چون مفعول است، معنایش می شود: «تو را».
 - چون مفعول اول آمده، انحصاری بودن آن را می رساند: «فقط تو را».
 - این آیه، جمله ای compound/ مرکب، متشکل از دو clause مستقل است.
- نعبد از ریشه «ع-ب-د» است. اینجا به معنای عبودیت و بندگی و اطاعت می کنیم است، و منظور پرستش و آداب آن نیست (هرچند، دومی هم در دل اولی قرار دارد و لازم و ملزوم همنند).
- «نستعین» از ریشه «ع-ن-» به معنی کمک کردن است. پس معنای آن در باب استفعال می شود: «کمک می خواهیم».
- این آیه نتیجه ی منطقی آیات این سوره از ابتدا تا «مالک يوم الدين» است (زیرا خدایی که این همه کمالات را منحصرأ دارد، تنها اوست که بندگی می کنیم و از اوست که کمک می خواهیم)؛ بنابراین، انتهای آیه قبل، نقطه نمی گذاریم و از نقطه بند (؛) استفاده می کنیم، تا رابطه منطقی نزدیک آنها به وضوح منعکس شود.
- این آیه مطلب کامل (full proposition) است؛ بنابراین، از قبل و بعد خود به لحاظ معنایی و ساختاری مستقل است. البته ارتباطش با قبل و بعد، سر جای خود است - ارتباطی مستقیم و نزدیک.

نقد و بررسی ترجمه/ TT Critical Analysis

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ: تنها تو را بندگی می کنیم و تنها از تو کمک می خواهیم؛

We worship You (Alone), and you (Alone) we ask for assistance (for each and everything).

We ~~worship/serve You/Thee (Alone/alone)~~, and ~~you/Thee (Alone/alone)~~ we ask for ~~assistance/help (for each and everything)~~;
Thee do we serve and Thee do we ask for help:

- مترجم به جای استفاده از ساختار معکوس (ذکر مفعول قبل فاعل) از قید انحصار alone استفاده کرده است، که:
 - زیبایی ترجمه کم شده است.
 - از اختصار و ایجاز کاسته شده است.
- بنابراین از همان ساختار معکوس استفاده می کنیم: Thee do we.....
- سوال: استفاده از do برای چیست؟ پاسخ:
- «do» اینجا هیچ معنایی ندارد، بلکه به دلیل استفاده از ساختار معکوس، باید ظاهر این جمله ی خبری، سؤالی باشد. مثلاً:
ندیدم کریمی به آقایی تو: . Never have I seen a person as generous as you.

سوره مبارکه فاتحه الكتاب، صفحه ی ۱۸ از ۱۳

- نعت به معنای «عبودیت و بندگی می کنیم» است؛ بنابراین، worship- که به معنای عبادت و پرستش با آداب و مراسم آن است- اینجا و در این بافت کلام مدّ نظر نیست. بافت کلام اینجا: ما از کسی اطاعت می کنیم و بنده ی کسی هستیم که سر و کار ما در معاد با او است و کمالاتی دارد که هیچ کس جز او ندارد (رحمانیت و رحیمیت و ربوبیت و مالکیت و ملکیت مطلق). بنابراین، serve درست است.^۶
- به فرض هم که alone را قبول کنیم، این کلمه نباید در پراتز بیاید، زیرا منتقل کننده ی مفهوم انحصار است، که برای خواننده ی متن مبدأ آشکار است. لذا، alone آشکارسازی/explicitation نیست، بلکه بسط/expansion است و در بسط، ما از پراتز استفاده نمی کنیم. (وای! چقدر طولانی شد! به قول جورج برنارد شاو، اون قدر وقت ندارم که مختصر بنویسم! 😊/☺)
- you دو ایراد دارد:
 - بزرگ نگاری/capitalization نشده است، در حالی که به خدای متعال دلالت می کند؛
 - سبک متون مقدس (Thee) را رعایت نکرده است.
- assistance ترجمه به خاص/overtranslation است، زیرا کمک را به موارد محدودتری تبدیل می کند. (assistance معمولاً کمک از سوی فردی در رتبه پایین تر به کسی در رتبه بالاتر است و مناسب کمک خدا به ما نیست؛ ضمناً، assistance کمکی فرعی است و «استعانت» درخواست کمک اصلی است.)
- for each and everything بیش از حد مطلب را تعمیم ناروا می دهد. آن چه از بافت کلام و ظاهر آیات فهمیده می شود این است که کمک خواستن ما از خدای متعال برای حرکت در صراط مستقیم است، که در آیه ی بعدی آمده است: textual context .
- در انتها، دو نقطه (:): می گذاریم تا بگوییم، منظور از «ستعین»، کمک خواستن از خدای متعال برای حرکت در مسیری است که در آیات بعدی توصیف شده است. نقطه (.). ارتباط قوی بین این آیه و بعد آن را تضعیف می کند.

آیه ششم

اهدنا الصراط المستقیم: ما را در طول جاده مستقیم هدایت فرمای-

تحلیل متن مبدأ/ST Analysis

- دو آیه آخر این سوره ی مبارکه، «اهدنا الصراط المستقیم * صراط الدین أنعمت علیهم غیر المغضوب علیهم ولا الضالین» استعاره ی م بسوط/extended metaphor است، که element های اصلی آن، «اهد» و «الصراط المستقیم» و «الضالین» است. در واقع، «اهد» تصویر راه بری خدای متعال را ترسیم می کند در «الصراط المستقیم» - image برای «جاده ی مستقیم»؛ «الضالین» نیز کسانی هستند که این جاده را گم کرده، در «گمراهی» به سر میبرند. ما نیز «هدایت» در این مسیر را از «راهبر» این جاده می خواهیم. پس کل این دو آیه یک تصویر/image واحد است، به نام استعاره مبسوط/extended metaphor: مبسوط است، چون از محدوده کوچک کلمه و عبارت خارج و به حوزه جمله وارد شده است. (بسط/extension یافته است.)



^۶ البته، بحث عبادت و آداب آن، در جای خود مهم است و تنافری با مفهوم بندگی ندارد؛ بلکه عبادت، لازم و ملزوم عبودیت است. مگر می شود، بنده خدا باشیم و به عبادت بی رغبت؟!)

نقد و بررسی ترجمه / TT Critical Analysis



اهدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ: ما را در طولِ جاده مستقیم هدایت فرمای -

Show us the right way,

Show Guide us through the right Path, the way Straight -;

Guide us through the Path, the Straight -

- show و right و way یک ایراد مشترک دارند: استعاره مسوط/ extended metaphor را تقریباً معدوم کرده اند، زیرا تصاویر/ images را با کلمات غیر تصویری جایگزین کرده اند:
 - show یعنی نشان دادن مسیر و نه راهبری کردن در آن. این تصویر استعاری را guide نشان می دهد؛ لذا، جایگزین شد.

- right یعنی صحیح، اما این جا می خواهیم تصویر مسیری مستقیم را منعکس کنیم. برای این هدف، Straight جایگزین شد.

- way یعنی شیوه و طریقه، که تصویر جاده ای که تا خدا منتهی می شود را کاملا از بین برده است. این تصویر را با Path بازسازی می کنیم.

: Straight •

- تصویر استعاره ی بسیط را به اندازه ی سهم خودش بازسازی می کند.

- بزرگ نگاری می شود زیرا مصداق خاص دارد (صراط اهل بیت، علیهم السلام، و ولی فقیه/نائب عامّ امام، عجل الله تعالی فرجه الشریف، در غیبت)؛

- صفتی غیر محدودگر است؛ بنابراین:

- باید با ویرگول از جمله جدا شود.

- بعدِ موصوف (بعدِ Path) می آید.

- ویرگولِ آخر ترجمه را با dash خط تیره (-) جایگزین می کنیم تا آیه بعدی توضیح آیه فعلی باشد و استعاره مسوط/ extended metaphor منسجم تر و واضح تر شود.



آیه هفتم

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ: جاده کسانی که به آنان نعمت (ولایت) عنایت

کردی، نه کسانی که مستوجب غضب(ت) شدند و نه ره گم کردگان.»

تحلیل متن مبدأ / ST Analysis

- این آیه، بدل/ appositive است، چون الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ نیاز به توضیح دارد و این آیه توضیح آن است.

- این آیه، مکمل استعاره ی مسوط/ extended metaphor است، که در آیه ی قبلی شروع شده است.

سوره مبارکه فاتحه الكتاب، صفحه ی ۱۰ از ۱۳

- «انعمت علیهم» دارای صورت معلوم است: active voice. صورت معلوم معنایش این است: نعمت، از جانب الله، جل جلاله، و عنایت و تفضلی از جانب حضرت دوست است و تلاش و اراده ی ما فرع بر اراده و عنایت اوست.^۷
- مغضوب، اسم مفعول است و به لحاظ کاربردی مانند صورت مجهول عمل می کند: passive voice: کسانی که دچار غضب الهی می شوند، خودکرده اند و در آخرت برایشان تدبیری نیست. در ساخت مجهول، فاعل مهم نیست، بلکه مفعول است که زیر ذره بین قرار می گیرد.

نقد و بررسی ترجمه/ TT Critical Analysis

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ: جاده کسانی که به آنان نعمت (ولایت) عنایت کردی، نه کسانی که مستوجب غضب(ت) شدند و نه ره گم کردگان.»

the way of the ones whom You have favored, other than that of the ones against whom You are angered, and not (that of) the erring. (It is customary to say "amin" "amen" at the end of this Surah).

~~the The Pathway of the onesthose whom ThouYou have(dost) favored, notother than that of the onesthose against whom You are angeredwho incur (Thy) wrath, and notnor (that of) the erring those who go astray. (It is customary to say "amen" at the end of this Surah):~~

The Path of those whom Thou (dost) favor, not those who incur (Thy) wrath, nor those who go astray."

- اهل تسنن می گویند، در پایان سوره حمد آمین گفته می شود، اما شیعه می گوید، گفتن آمین مبطل نماز است و مستحب است «الحمد لله رب العالمین» گفته شود^۸ و توضیح انگلیسی داخل پرانتز، که مترجم آورده است، انعکاس اعتقادات مذهبی مترجم سنی مذهب است. به همین دلیل، این قسمت (It is customary to say "amen" at the end of this Surah.) در ترجمه حذف می شود. ضمناً ایراد دیگر این است که ما در پی ترجمه ای تفرقه انگیز و موجب اختلافات مذهبی نیستیم. طبق فرمایش رهبر بصیرمان، امام خامنه ای، مد ظله العالی، در جهان امروز، وحدت بین مذاهب اسلامی واجب واجبات است. به همین دلیل، مترجم نباید به اختلافات در ترجمه دامن بزند.^۹
- آیه باید با حرف بزرگ شروع شود.
- ترجمه صراط (Path) با حرف بزرگ شروع می شود، زیرا یک مصداق برای صراط بیشتر وجود ندارد و آن هم ولایت و تبعیت از ائمه اطهار علیهم السلام و در زمان غیبت از ولایت فقیه است.
- the ones همان those است، با این تفاوت که those :
 - موجزتر است؛
 - زیباتر است؛
 - خوش آواتر است.
- سَبَكِ ترجمه ی متون مقدس رعایت نشده است، که اصلاح شد: Thou; dost; Thy; استفاده از dost برای زیبایی است و مفهوم خاصی ندارد. شبیه doth keel the pot در شعر زمستان شکسپیر.
- voice در ترجمه ی مغضوب، از مجهول به معلوم ترجمه شده است، که اشتباه است زیرا لجبازی و استحقاق غضب را در «مغضوب علیهم» کمرنگ می کند.
- incur بهترین معادل برای نشان دادن این است که مغضوب علیهم خود مستوجب و شایسته ی غضب شدند: به خاطر کارهایی که خود می کردند. به تعریف این کلمه (incur) در فرهنگ لغت یا یادداشت هایتان مراجعه کنید.

^۷ فرع است، و البته مهم!

^۸ شاید دلیلش این باشد: پیروان ائمه اطهار علیهم السلام در مسیر مستقیم هستند، پس خدا را بر این نعمت شکر می کنند و ستایش: الحمد لله رب العالمین؛ اما دیگران در این مسیر نیستند، پس باید آمین بگویند، به این امید که در این مسیر قرار بگیرند و نعمت ولایت خاندان عترت و طهارت نصیب شان شود: آمین. (والله هو الاعلم).

^۹ متعاقب فتوای امام خامنه ای، مد ظله العالی، مبنی بر تحریم توهین به مقدسات اهل تسنن - مخصوصاً ام المؤمنین، عایشه، مفتی اعظم الازهر مصر - که مرکز اهل تسنن است - فتوا داد که تشیع، مذهب پنجم اسلام است. (قبل فتوای وحدت بخش امام خامنه ای، حفظه مد ظله العالی، بسیاری از بزرگان اهل تسنن در خارج از ایران اسلامی، شیعه را کافر می دانستند.)

- the erring تصویر/ image را از بین برده است. معادل جایگزین شده ی ما (go astray) به وضوح تصویر استعاره مبسوط/ extended metaphor را منعکس و بازسازی می کند: دو کلمه go و astray گروهی را نشان می دهد که از جاده مستقیم خارج شده اند و بیرون از آن قدم می زنند.
- در انتهای ترجمه ی همه ی سوره های قرآن مجید، گیومه ای که هنگام ترجمه بسم الله الرحمن الرحیم باز کرده بودیم را می بندیم. هرگز نشه فراموش...! ☺

تعریف برخی اصطلاحات/ Definition of Technical Terms

- proposition^{۱۱} یا مطلب، مفهوم کاملی است که معمولاً توسط یک جمله خبری بیان می شود و به یک اتفاق، عمل، حالت، وضعیت یا توصیف اشاره می کند.
- هر مطلب از دو بخش نهاد subject و گزاره predicate تشکیل می شود. اولی موضوع مطلب و دومی خبر و توضیحی راجع به موضوع یا نهاد است.
- توصیف کننده یا modifier بر سه نوع است:
 - بدل/ appositive اسمی است که اسم ماقبلش را توضیح می دهد.
 - صفت/ adjective واحدی است از نوع دستوری صفت که اسمی را توصیف می کند.
 - قید/ adverb واحدی است از نوع دستوری قید که فعل یا صفت یا قید یا جمله را توصیف می کند.
- صفت محدودگر: صفتی است که مصداق موصوف را محدود می کند. به آن restrictive adjective/defining adjective می گویند. مثلاً، در «مسجد جامع»، «جامع»، صفت محدودگر است، زیرا مصداق «مسجد جامع» را از سایر مساجد شهر تفکیک می کند.
- صفت غیرمحدودگر/ non-restrictive adj./non-defining adj: صفتی است که مصداق را محدود نمی کند اما برای ذکر دلیل یا برجسته کردن یکی از ویژگی های موصوف می آید. تمامی صفات خدای متعال غیرمحدودگر هستند زیرا او یک مصداق بیشتر در عالم وجود ندارد. مثال: الرحمن الرحیم. «المستقیم» نیز برای صراط غیر محدود گر است زیرا یک صراط بیشتر نیست و آن هم صراط مستقیم است، که مصداقش اهل بیت علیهم السلام و مکتب آنان است. نیز وقتی می گوئیم، «خمینی کبیر»، «کبیر» برای تفکیک مصداق امام راحل از سایر مصداق با همین اسم نیامده است، بلکه عظمت ایشان را برجسته می کند.
- وجه/ mood عبارت است از وجه یا حالت جمله که نشان می دهد جهت گیری جمله به چه سمتی است. آیا بیان واقعیت است؟ آیا دستور به کاری است؟ آیا آرزو و تمایل است؟ وجه/ mood بر سه نوع است (طبق یکی از دسته بندی ها):
 - imperative mood / وجه امری، برای امر و دعا و خواهش به کار می رود. مثلاً اهدنا الصراط المستقیم امری است از نوع دعا.
 - subjunctive / وجه التزامی، که برای بیان آرزو، شرط غیر واقعی، افسوس و کلا بیان میل و خواسته، که معمولاً/گاهی با واقعیت فاصله دارد یا گاهی درست مقابل واقع است. مثلاً «یا لیتنی لم اتخذ فلانا خلیلاً» ای کاش با فلانی رفیق نمی شدم (قرآن مجید از قول کافر در قیامت) التزامی است.
 - declarative / اخباری، که خبر از واقعیت و حقیقت می دهد. مثلاً انا اعطیناک الکوثر و الحمد لله رب العالمین اخباری هستند.
- چه زمانی از نقطه بند استفاده می کنیم؟
 - قبل و بعد از آن clause باشد.
 - مفهوم و ساختار جملان/ clause ماقبل و مابعد، مستقل/ independent باشد.
 - ارتباط معنایی/ منطقی نزدیکی بین قبل و بعد از نقطه بند وجود داشته باشد.
- صیغه مبالغه و صفت مشبیه چیستند؟
 - صیغه مبالغه: وزن هایی که کمال و گستردگی و شدت و کثرت صفتی را در کسی نشان می دهند، نظیر رحمن که یعنی دارای رحمت فراگیر و علامه که یعنی بسیار دانا؛
 - صفت مشبیه: وزن هایی که دوام و ثبات صفتی را در شخصی نشان می دهند. مثلاً «خداوند رحیم است» یعنی رحمت او همیشگی است.

^{۱۱} proposition را گزاره نیز گفته اند، که با توجه به هم نام شدن با predicate، خلط مبحث ایجاد می کند؛ لذا، «مطلب» پیشنهاد بنده است.

سوره مبارکه فاتحه الكتاب، صفحه ی ۱۲ از ۱۳

- ال استغراق چیست؟ پاسخ: استغراق یعنی پوشش کامل مصادیق (full inclusion). به عبارتی، وقتی می‌گوییم: «الحمد لله»، یعنی همه ی مصادیق حمد و هر جا و هر زمان حمد رخ می‌دهد از آن الله، جل جلاله، است. این استغراق است. استغراق از «غرق» می‌آید: وقتی کشتی غرق می‌شود، کل آن زیر آب می‌رود. پس استغراق یعنی پوشش و دلالت بر همه ی مصادیق کلمه.
- بافت زبانی چیست؟ چند نوع است؟ پاسخ: بافت زبانی به معنای linguistic context یعنی محیطی که در آن کلام منعقد می‌شود و سپس محیطی که کلام در آن ثبت می‌شود. بافت زبانی جزئی از زبان است و زبان بدون آن قابل فهم نیست یا بهتر است بگوییم به وجود نمی‌آید. بافت زبانی بر دو نوع است:
 - **بافت موقعیت/ situational context** عبارت است از موقعیت زمانی و مکانی و فضایی که کلام در آن منعقد شده است. مثلاً من که الان دارم این جزوه را تایپ و اصلاح می‌کنم داخل منزل نشسته‌ام؛ وقت کم است و باید زودتر به دست آقای انصاری فر برسانم. از شهرستان برایم مهمان آمده است؛ باجناقم همان طور که دارم جزوه را تایپ می‌کنم، از هر دری سخن می‌گویم و! دارم جزوه را اصلاح می‌کنم، اما اگر باز هم اشکالی در این جزوه دیدید، به خاطر situational context امشب است، که هم عجل دارم و هم باجناقم مشغول صحبت با من است ☹️. می‌بینید که بافت موقعیت قبل و هنگام انعقاد کلام نحوه ی شکل‌گیری کلام را هدایت می‌کند. شان نزول در بحث قرآن مجید همان context of situation است.
 - **بافت متنی/ textual context** عبارت است از همان متنی که کلام در آن مشاهده یا شنیده می‌شود. مثلاً، این جزوه که دست شماست یا پرونده دیجیتال آن که دارید می‌خوانید، بافت متنی است. کلمات قبل و بعد هر قسمت که مطالعه می‌کنید، بافت کلام است. اگر یادتان رفت این مربوط به بحث کدام سوره می‌شود، بالای صفحه را نگاه می‌کنید و می‌بینید که نوشته است: **سوره مبارکه فاتحه الكتاب، صفحه ی ۱۲ از ۱۲**. اگر بخواهید بهتر درک کنید که این مثال مربوط به چه مفهومی می‌شود، احتمالاً بالاتر را نگاه می‌کنید و چشم‌تان به بافت متنی/ textual context می‌افتد و می‌گویید: «آها! یادم اومد! این مثال مالِ textual context بود!» به عبارت دیگر، بافت متنی یعنی محیط متنی که کلماتی که می‌خوانیم در آن ثبت شده است و در داخل آن قابل فهم است. بافت متنی قرآن مجید هم همین کتابی است که چند قدم آن طرف تر داخل طاقچه دارد خاک می‌خورد. ☹️ به طور اخص، خط به خط قرآن مجید بافت متنی است: مثلاً در متن یسئلونک عن الساعة (راجع به ساعت از تو می‌پرسند) منظور روز قیامت است نه این که بپرسند ساعت چند است! اما در متن کتاب ریاضی، قسمت آموزش ساعت، بافت متنی مشخص می‌کند که منظور از ساعت همان سه دونه‌ای است که ۱۲ تماشاجی ۲۴ ساعت تشویق‌شان می‌کند و خسته نمی‌شوند!!! (بیکارند دیگر!).
- گوشه همراه >> Expansion: when the translator expands the form of the ST in the TT: He uses a form bigger than that in the ST. E.g., mobile
بسط: وقتی مترجم متن مبدا را به آشکار تر از آن چه هست تبدیل نکند و فقط شکل زبان مبدا را طولانی‌تر کند، از بسط استفاده کرده است. مثلاً به جای یک کلمه از ۲ کلمه و به همین منوال استفاده کند. مثال بالا ذکر شد.
- Explicitation: when the translator does not necessarily change the form, but only changes the level of the explicitness of the ST in the TT: what was hidden in the ST becomes explicit in the TT. E.g. It's cold! >>> explicating translation: سرده! در را ببند!
آشکارسازی: وقتی مترجم لزوماً شکل متن مبدا را تغییر نمی‌دهد یا در پی تغییر آن نیست، بلکه به دنبال آشکار کردن مفاهیمی است که در متن مبدا پنهان و مد نظر گوینده یا نویسنده بود اما به صراحت ذکر نشده بود.
- Addition: when you mention in the TT what was neither mentioned nor implied in the ST; e.g. when you say sth and someone interprets your statement wrongly and you say, "I didn't mean it!"
افزایش: وقتی در متن مقصد مطلبی را ذکر می‌کنیم که در متن مبداً نه ذکر شده و نه منظور نویسنده/گوینده بوده است. این در گفت و گوهای داخل زبانی بدون ترجمه هم رخ می‌دهد. مثلاً، وقتی به کسی که مشغول سخنرانی است، می‌گوییم، «خسته نباشید»، اگر بگوید: «یعنی من خفه شوم دیگر؟!» می‌گوییم: «چرا حرف توی دهن من می‌گذاری؟!» یعنی افزایش/addition: مطلبی را حتی منظورمان هم نیست، اما شنونده/خواننده به ما نسبت می‌دهد.

سوره مبارکه فاتحه الكتاب، صفحه ی ۱۳ از ۱۳

• تعمیم ناروا/overgeneralization: این که مطلبی که فقط راجع به چند مصداق/مورد یا به حوزه ای محدود مربوط است را به موارد و حوزه های وسیع تر توسعه دهیم. مثلاً شنیده اید که برخی افراد هستند که مثلاً می شنوند دانشجویی درس نمی خواند و بعد می گویند امروزه دانشجویان تنبل شده اند! یا استادی درس نمی دهد و می گویند: اساتید دانشگاه حقوق مفت می گیرند! و بدین منوال.... در بحث ترجمه، تعمیم ناروا می تواند به این صورت باشد که مطلبی راجع به حوزه ای خاص بیان شده است و ما طوری ترجمه کنیم که حوزه های دیگر را در بر بگیرد. مثلاً کمک خواستن ما در سوره مبارکه حمد – آن طور که بنده در ذهنم است – مربوط به کمک خواستن برای بیمودن مسیر مستقیم ولایت معصومین علیهم السلام و ولی فقیه است، اما مترجم با for each and everything آن را به قدم زدن در مسیر خیابان دانشگاه به سمت پردیس اسرار هم گسترش داده است! در مباحث بعدی، مجازات برآید برای این مترجم در نظر خواهیم گرفت. ©

• خلأ واژگانی چیست؟ پاسخ: خلأ واژگانی/lexical gap یعنی این که ما به دنبال معادلی مناسب در زبان مقصد بگردیم ولی معادل دقیق یا اصلاً هیچ معادلی پیدا نکنیم که در ترجمه از آن استفاده کنیم. مثلاً، برای ترجمه لفظ جلاله ی «الله»، معادل دقیقی در انگلیسی وجود ندارد. «God» – همانطور که در ابتدای مبحث سوره مبارکه حمد اشاره کردیم – اصلاً معادل دقیقی نیست. لذا، از «Allah» استفاده کردیم.



انتهای بحث تحلیل متن مبدأ/ST Analysis و نقد ترجمه/TT Critical Analysis
سوره مبارکه حمد؛ والحمد لله رب العالمین.....



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ب. سوره مبارکه اخلاص/توحید

متن کامل سوره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	«به نام الله، که رحمان و رحیم است؛
قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ	بگو: «او، الله، خدای یکتاست؛
اللَّهُ الصَّمَدُ	الله، که همگان به درگاهش نیاز برند،
لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ	نزیاد و زاده نشود
وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ	و احدی نیست که همتای او باشد.»

عنوان: سورة الإِخْلَاصِ: (Chapter, The Purification of Faith) Surah Al-Ikhlāṣ

- به حرف نگاری/transliteration در انگلیسی و تفاوت حرف نگاری «ه» و «ح»، «س» و «ص» و نیز «ا» کوتاه و «ا» کشیده توجه کنید.
- سوال: روش ها و فرایندهای ترجمه که در عنوان استفاده شده است کدامند؟ دلیل استفاده؟ پاسخ:
 - ترجمه به صورت حرف نگاری؛
 - دلیل: نام سوره – که proper noun است – در فرهنگ مقصد دقیق منعکس شود؛
 - translation proper یا همان ترجمه عرفی و معادل یابی در مقصد (the Purification of Faith)؛
 - به دلیل برقراری ارتباط مخاطب با متن اصلی انجام می شود؛
 - استفاده از روش بسط/expansion: استفاده از سه کلمه به جای تک کلمه ی اخلاص؛
 - به دلیل خلاء واژگانی/lexical gap؛
- سوال: چرا پنجره باز است؟ چرا کتری رو گاز است؟ پاسخ: نا امید نشو! ادامه بده! عاقبت جوینده یابنده است! ☺

آیه اول

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ: به نام الله، که رحمان و رحیم است؛

تحلیل متن مبدأ/ST Analysis

- در سوره مبارکه حمد، تحلیل انجام شد.

نقد و بررسی ترجمه/TT Critical Analysis

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ: به نام الله، که رحمان و رحیم است؛

In the Name of Allah, the Most Beneficent, the Most Merciful.

“In the Name of Allah, the ~~Most-All-Merciful~~Beneficent, the ~~Most-Ever~~-Merciful;”

“In the Name of Allah, the All-Merciful, the Ever-Merciful;”

- در سوره مبارکه حمد، نقد و بررسی شد.

آیه دوم

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ: بگو: «او، الله، خدای یکتاست؛

تحلیل متن مبدأ/ST Analysis

- متن سوره، بعد فعلِ «قل»، یک نقش واحد دارد، زیرا:
 - فعل قل متعدی است و نیاز به مفعول مستقیم دارد. از «هو الله احد.....» تا آخر سوره مفعول قل (بگو) محسوب می شود.
 - فعل قل، اینجا فعل نقل قول مستقیم است؛ نتیجتاً، کل سوره بعد آن نقل قول مستقیم است و باید جدای از این که همه ی سوره ها در دو گیومه قرار می گرفت، متن این سوره، بعد قل، در دو گیومه جداگانه قرار گیرد.
- «هو» نهاد و «أحد» گزاره است؛ «الله» بدلِ «هو» است و در واقع معرفی نام خدای یگانه است. بنابراین، الله جزء نهاد/subject نیست.
- «أحد» با «واحد» فرق دارد:
 - اولی توحید درونی و ذات و صفات را نشان می دهد: خدای متعال ذات و صفاتش همه یک حقیقت است و دارای ابعاد و لایه ها و اجزا نیست. احد یعنی خدای متعال بسیط و غیر مرکب است.
 - دومی توحید بیرونی است، یعنی خدای متعال در عالم وجود هیچ معبودی جز او نیست.

نقد و بررسی ترجمه/TT Critical Analysis

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ: بگو: «او، الله، خدای یکتاست؛

Say (O Muhammad (Peace be upon him)): 'He Allah is Allah, (the) One.

Say, (O Muhammad (Peace be upon him)): 'He, Allah, is Allah God, (the) One Entire;

Say, 'He, Allah, is God, the Entire;

- مسائل مربوط به علائم نگارشی و نقل قول مستقیم در ترجمه این آیه:
 - استفاده از دونقطه (: بعد فعل قل، اگر مترجم ایرانی یا عرب باشد، احتمالاً به دلیل گرته برداری از سامانه ی نگارشی زبان مادری مترجم است. در انگلیسی بعد فعل نقل قول مستقیم از ویرگول استفاده می کنیم.
 - منقول باید داخل دو گیومه جداگانه قرار بگیرد (علاوه بر دو گیومه که برای همه ی سوره ها قبل بسم الله الرحمن الرحیم و انتهای سوره می گذاریم).
 - گیومه های اصلی سوره جفتی است ("") و گیومه های فرعی (برای مفعول فعل قل) تکی (') است.
- برای دانستن دلیل حذفِ (O Muhammad (Peace be upon him)) در ترجمه ی ما، در قسمت تعریف برخی اصطلاحات در انتهای بحث این سوره مراجعه کنید.
- گفته بودیم «الله» باید "Allah" ترجمه شود. اما نگفته بودیم، أحد و إله هم باید به "Allah" ترجمه شود! مترجم أحد را اشتباه ترجمه کرده است، که بخشی از آن اصلاح شد به God.
- Allah بدل است برای He ؛ پس باید بعد از He بیاید و بین دو ویرگول قرار بگیرد.



- the One در واقع معادل «واحد» است، نه «أحد». توضیحات مبسوط در قسمت فوق (تحلیل متن مبدأ) ارائه شد.
- نقطه در انتهای آیه باعث تضعیف رابطه قوی بین آیه حاضر و آیه بعدی می شود. دلیل ارتباط قوی این دو آیه این است که «الله الصمد» در واقع تفسیر و روی دیگر همان «هو الله أحد» است. وقتی او یکتاست و دارای اجزاء و ابعاد نیست، پس کامل و بی نیاز هم هست. نقطه بند به بهترین وجه این ارتباط را حفظ می کند. به توضیحات بحث نقطه بند در قسمت تعریف برخی اصطلاحات ذیل سوره مبارکه حمد مراجعه کنید.

آیه سوم

اللَّهُ الصَّمَدُ: الله، که همگان به درگاهش نیاز برند،

تحلیل متن مبدأ/ST Analysis

- الله الصمد نهاد/subject/مبتدا است و گزاره/خبر/predicate آن، دو آیه ی بعدی است.
- الصمد:
 - برای الله صفت غیرمحدودگر/non-defining adjective است. بنابراین در ترجمه باید مورد توجه قرار گیرد و علامت نگارشی آن درست انتخاب شود.
 - به معنای توپر، کامل، بدون خلأ و شکاف و نقص و نهایتاً وجود کامل بی نیاز است. نتیجه این می شود که او وجودی است که همه ی موجودات نیازشان را به درگاه او عرضه می کنند.
 - روی دیگر همان أحد است؛ بنابراین، این آیه به همراه دو آیه ی بعدش می تواند توصیف و توضیح آیه ی اول باشد. استفاده از علامت نگارشی نقطه بند (;) در ترجمه انگلیسی به همین دلیل است.



نقد و بررسی ترجمه/TT Critical Analysis

اللَّهُ الصَّمَدُ: الله، که همگان به درگاهش نیاز برند،

Allah is the Needless.

Allah is the Needless Eternally Besought of All.

Allah, the Eternally Besought of All,

- is را مترجم بر این مبنا استفاده کرده است که تصور می کند الله الصمد یک مطلب کامل (حاوی نهاد و گزاره) است، حال آن که در کلاس بحث کردیم که الله الصمد مطلب کامل نیست بلکه نهاد/subject است و گزاره ی آن دو آیه ی بعدی است. در ترجمه نهاد از فعل اصلی استفاده نمی کنیم.
- needless ترجمه تحت اللفظی «بی نیاز» از فارسی است یا - اگر مترجم فارسی زبان نبوده است - بر اساس قاعده ی کلماتی که با less منفی می شوند، تعمیم ناروا/overgeneralization داده است و به صورت تحت اللفظی در ذهنش ترجمه کرده است و معادل را بدون تحقیق و بررسی و مراجعه به منابع معتبر انگلیسی زبان نظیر فرهنگ لغت های انگلیسی-انگلیسی استفاده کرده است. مگر دستم به این مترجم نرسد! خوب، بگذریم! needless یعنی چه؟ به یادداشت هایتان یا فرهنگ لغت مراجعه کنید. من که فرهنگ لغت نیستم! 😊
- چون این آیه فقط نهاد است، پس نقطه اشتباه است. پس چه درست است؟ پاسخ:
- الصمد صفت غیرمحدودگر است. (تعریف صفت محدودگر و غیرمحدودگر در بحث سوره مبارکه حمد آمد.) پس باید قبل و بعدش از ویرگول استفاده کنیم. دقت کنید که بین نهاد و گزاره هیچ علامت نگارشی فاصله نمی اندازد اما این ویرگول به خاطر جدا کردن صفت non-defining از جمله استفاده می شود.

- برای ترجمه معانی صمد (توپر، کامل، بی نیاز، که همه به او نیاز عرضه کنند....) مترجم در محدودیت است. پس باید معنایی را انتخاب کرد که کمترین ضرر/خسران حاصل شود. the Eternally Besought of All حاصل خسران کمینه/ minimal loss است. به توضیحات قسمت تعریف برخی اصطلاحات در انتهای بحث این سوره مراجعه کنید.
- ممکن است از خود بپرسید چرا در معادل انگلیسی واژه ی صمد، همه ی کلمات با حروف بزرگ نگاشته شده است. اگر بعد این که از خود پرسیدید، از من بپرسید، عرض می کنم: درست است که All به خدا بر نمی گردد (به مخلوقات برمی گردد)، اما معادل the Eternally Besought of All را به جای همان صمد گذاشته ایم پس کل این ترکیب توصیف الله، جل جلاله، است و مشمول بزرگ نگاری / capitalization می شود.
- معادل انگلیسی و فارسی صمد هر دو حاصل روش بسط/ expansion در ترجمه است. به بخش تعریف برخی اصطلاحات ذیل این بحث مراجعه کنید.

آیه چهارم

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ: نزاید و زاده نشود

تحلیل متن مبدأ/ ST Analysis



- لم در ابتدای آیه نفی با تأکید را می رساند و در ترجمه باید حتی الامکان در ابتدا ترجمه شود.
- زمان فعل/ tense این آیه ماضی است اما در ترجمه باید به time آن توجه کرد (timeless truth).
- بخش اول، active voice است و بخش دوم، passive voice. در ترجمه دقت شود.
- زایش و تولد در این آیه صرفاً فیزیکی نیست. باید در انگلیسی معادلی انتخاب شود که زایش و تولد فیزیکی و معنوی هر دو را شامل شود.^۲

نقد و بررسی ترجمه/ TT Critical Analysis

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ: نزاید و زاده نشود

He begot not, and was not begotten;

Neither He begetteth not, and did not nor is begetten,

Neither begetteth, nor is begotten,

- این آیه بخش اول گزاره است برای آیه قبلی - که نهاد است؛ بنابراین، فاعل آن (he) اضافه است و حذف شد، زیرا گزاره فاعل ندارد.^۲
- فعل beget بهترین معادلی است که می تواند زایش و تولد و تکثیر فیزیکی و معنوی را دلالت کند، زیرا در کتب مقدس نظیر انجیل هم از این واژه استفاده شده است.^۳ البته آن ها برای اثبات پدر بودن خدا استفاده کرده اند و ما در ترجمه قرآن مجید - که توحیدی است - برای رد آن استفاده می کنیم.

^۱ لم نفی ازل است تا زمان حال. «لم یلد و لم یولد» ماضی نقلی است اما هر چیزی در مورد خداوند اگر در گذشته درست بوده پس در آینده هم همینطور است. پس در ترجمه انگلیسی به صورت simple present به کار می بریم زیرا آنچه در انگلیسی می تواند معنی را دقیق منتقل و time را حفظ کند، simple present tense است.

^۲(برای مطالعه): توضیح این که خدای متعال وقتی می فرماید من زایش و تولد نداشته ام (و نخواهم داشت) ناظر به مفاهیم معنوی هم هست. مثلاً:

- چون کامل و یکتاست، صفاتش، زاینده ی ذات او یا افزوده به ذات او نیست؛

- خداوند روحش در کسی - من جمله حضرت مریم یا حضرت عیسی مسیح علی نبینا و آله و علیهما السلام - حلول نکرده است؛

- یا این که خدای متعال سه گانه نیست (آن طور که مسیحیان معتقدند- پسر، پدر، روح القدس) چه به صورت فیزیکی و چه به صورت معنوی و در عالم مجردات.

^۳ (برای مطالعه) البته ممکن است گزاره در شرایط خاصی فاعل/نهاد داخلی داشته باشد، که از حوصله ی بحث خارج است. علاقمندان راجع به این مطلب با بنده مکاتبه کنند.

^۴ (برای مطالعه) انحرافات انجیل مربوط به دست کاری هایی است که مسیحیان وارد آن کرده اند، نه این که کلام الهی بوده است.

نقد و بررسی ترجمه/ TT Critical Analysis

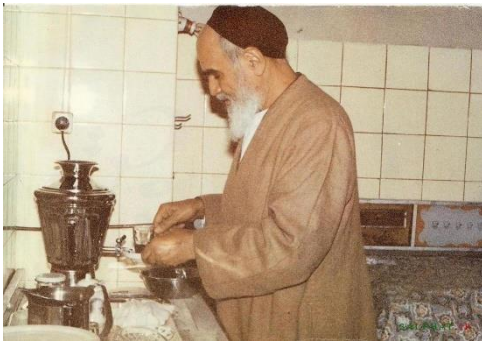
وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ: و احدی نیست که همتای او باشد.»

And no one is comparable unto Him

Nor And no one is there anyone comparable like unto Him.'''

Nor is there anyone like unto Him.'''

- دوباره تاکید می شود: حالا که می شود با استفاده از Nor ، بُعدِ منفیِ متن مبدا را ابتدای ترجمه آورد، آوردن آن به عنوان کلمه ی دوم (به صورت no.... And) از تاکید آن در ترجمه و نهایتاً force of language می کاهد.
- با توجه به توضیحات در بخش تحلیل متن مبدا، is there جایگزینِ is شد تا توحید نظری که بالاتر توضیح دادیم به روشنی منعکس شود.
- سوال: چرا با این که شکل این آیه خبری است، به صورت سوالی آمده است؟ پاسخ:
 - اولاً که ظاهر سوالی است ولی نوع جمله خبری است؛
 - ثانیاً، دلیل معکوس بودن/reversing اینجا آمدن شکل منفی ابتدای جمله است - دلیل معکوس شدن: استفاده از Nor در ابتدای جملان/ clause.
 - ثالثاً، ربطی به کتری و پنجره و ندارد. از فکرش بیرون بیاید. ☺
- like unto معادلِ همان like در Modern English است، با این تفاوت که سبکش متناسب با متن مقدس است.
- هرگز نشه فراموش: چراغ نگارش نشه خاموش: در انتهای این سوره هم باید علامت نگارشی گیومه مربوط به نقل قول مستقیم بعد قل را ببندیم و هم مربوط به انتهای سوره که همیشه انجام می دهیم. پس سه گیومه در انتها داریم. می گوئید، نه، بشمارید! (به توضیحات در بحث ترجمه سوره مبارکه فاتحه مراجعه کنید).



تعریف برخی اصطلاحات

- سوال راجع به قاعده جری:
 - قاعده ی جری در قرآن مجید چیست؟
 - پاسخ: طبق فرمایش امام صادق و امام رضا (علیهما السلام)، قرآن قاعده ی «جری» (جریان دائمی چشمه زلال وحی و نو به نو شدن هر لحظه) دارد.
 - ارتباط قاعده جری با ترجمه چیست؟ پاسخ:
 - اگر مترجم از آشکارسازی استفاده کند، در حقیقت ظرفیت پویایی مفاهیم و مصادیق قرآن مجید را کاهش داده است و قاعده «جری» نادیده گرفته می شود، چرا که طبق قاعده جری، قرآن مجید محصور در شأن نزول (context of situation) یا برخی تفاسیر روایی نیست و در هر زمان و مکانی و برای هر مخاطبی ظرفیت بالقوه دارد که مفاهیم و مصادیق جدید را تحت پوشش قرار دهد.^۶
 - یک مثال راجع به این قاعده بزنید. پاسخ:
- مثلاً در ترجمه «قل هو الله احد»، در ترجمه ای که بالا نقد شد، این عبارت اضافه شده است: (O Muhammad (Peace be upon him)). درست است که طبق شأن نزول، سوره مبارکه اخلاص در پاسخ به اهل کتاب نازل شده است اما مگر هر کسی نمی تواند مخاطب این سوره باشد و با هر بار خواندن این سوره، خطاب وحی را به گوش جاننش بشنود که، بگو: «او، الله، خدای یکتاست...؟!». درست است که مصداق خاص این سوره در خطاب حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است، اما هر غواصی که مشتاق شنا در اقیانوس وحی باشد، می تواند مخاطب قرآن مجید باشد و به اندازه

^۶ (برای مطالعه) البته این به این معنی نیست که ما بدون تخصص و آشنایی به فنون و قبل اجتهاد و قرآن-و-حدیث شناسی، می توانیم هر چه به ذهن مان رسید را به قرآن مجید نسبت دهیم! (تفسیر به رأی حرام است). غور در آیات تدریر خوب است، اما برای انتشار و ثبت آنچه راجع به قرآن مجید به ذهن می رسد، باید به اهلش مراجعه کرد و از آنها تأیید گرفت.

اشتیاقش از مرواریدهای این اقیانوس بی کران بردارد. البته این به معنای این نیست که ما تفسیر به رأی کنیم. قبل نشر هر مطلبی که به ذهن ما پس از تدبیر رسید، باید به تفاسیر و قرآن شناسان ارائه کرد و از صحت آن مطمئن شد.^۷

- قاعده خسران کمینه (minimal loss) چیست؟ پاسخ:
هدف عملیاتی ترجمه، انتقال کامل همه ابعاد، ویژگی ها و معانی متن مبدأ به مقصد نیست، زیرا اصلاً ممکن نیست. بنابراین، مترجم خوب همیشه دنبال انتخاب گزینه ای است که minimal loss داشته باشد و همیشه باید ببیند چه را نگاه دارد و چه را از دست بدهد. به این قاعده minimal loss یا خسران کمینه می گویند.
- راجع به قاعده بالا مثال بزنید. پاسخ:
در ترجمه سوره حاضر، برای معادل گذاری صمد، از میان سه گزینه ی (۱) «توپر» (۲) «بی نیاز» (۳) که «همگان نیازشان به درگاهش عرضه می کنند»، مجبوریم یکی را انتخاب کنیم. اولی باعث از دست رفتن ارتباط مخاطب عام با ترجمه می شود. دومی، گزینه سوم را شامل نمی شود، اما سومی، دومی را دربر دارد و اولی را شامل نمی شود. بنابراین، انتخاب گزینه سوم، عمل به قاعده minimal loss است، زیرا با این که معنای اول را نمی رساند، موارد مهم را منعکس می کند.
- «این tense و time چه استاد هشم اسم شون را مباره؟! کلافه شدیم!» پاسخ: دعوا نداریم که! بخوانید و ما را دعا کنید:
 - زمان واقعی/time همان است که مربوط به عالم واقعیت/حقیقت است؛ مربوط به معنای کلام می شود؛ این که گوینده/نویسنده چه زمانی را در نظر دارد و راجع به کی دارد صحبت می کند: گذشته؟ حال؟ آینده؟ ترکیبی از این ها؟
 - اما زمان فعل/time/جمله: مشخصات فعل آن: این که فعل جمله، زمان حال ساده است یا گذشته ساده یا ماضی نقلی یا
 - البته، بین این دو ارتباط هست: زمان فعل/time آن معمولاً زمان جمله را نشان می دهد یا با آن ارتباط مستقیم دارد اما برخی اوقات نیز نیاز به دانستن بافت موقعیت و بافت متنی و قواعد دستوری داریم تا دقیقاً متوجه شویم که فلان tense به چه time ی اشاره می کند. مثلاً، تا شأن نزول سوره مبارکه کوثر را ندانیم، نمی توانیم تشخیص دهیم که اعطیناک به زمان آینده اشاره می کند، نه آینده، اما اگر به شأن نزول/context of situation مراجعه نکنیم، گمان می کنیم که این آیه همان طور که tense گذشته است، time هم گذشته است، حال آن که شأن نزول این را رد می کند.

انتهای بحث تحلیل متن مبدأ/ST Analysis و نقد و بررسی ترجمه/TT Critical Analysis سوره مبارکه اخلاص

والحمد لله رب العالمین.....



بسم الله الرحمن الرحيم

ج. سوره مبارکه عصر

متن کامل سوره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿١﴾ «به نام الله، که رحمان و رحیم است؛

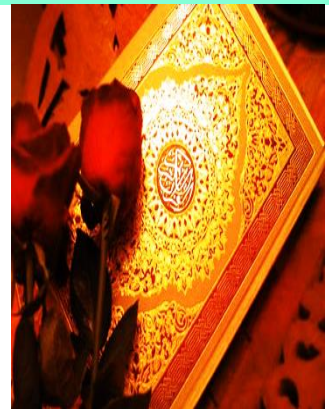
وَالْعَصْرِ ﴿٢﴾ قسم به عصر،

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ﴿٣﴾ همانا همه ی انسان ها در زیانند،

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ﴿٤﴾ مگر آنانکه ایمان می آورند، اعمال

شایسته را انجام می دهند،

وَتَوَّصَّوْا بِالْحَقِّ وَتَوَّصَّوْا بِالصَّبْرِ يَكْدِيكَرٌ رَا بَه حَق سَفَارَش مِي كَنَنْد و يَكْدِيكَرٌ رَا بَه اسْتَقَامَت سَفَارَش مِي كَنَنْد.»



عنوان سوره: Surah Al-'Asr (Chapter, Time)

- به حرف نگاری «ع» و «ص» توجه کنید: اولی با تک گیومه ی آغازگر و دومی با § نقطه پا نمایش داده می شود.
- با این که عنوان سوره با «ال» شروع می شود- «العصر» - در ترجمه از The استفاده نمی کنیم زیرا time شمارش ناپذیر بوده، استفاده از the آن را از حالت اصلي مبدأ (اسم جنس ماهیت) به اسم معرفه تبدیل می کند، که معنی عوض خواهد شد.
- در متون مقدس، من جمله انجیل و قرآن مجید، معادل انگلیسی «آیه»، «verse» و معادل انگلیسی «سوره»، «chapter» است.

آیه اول

بسم الله الرحمن الرحيم: به نام الله، که رحمان و رحیم است؛

تحليل متن مبدأ/ ST Analysis

- در سوره مبارکه حمد، تحلیل انجام شد.

نقد و بررسی ترجمه/ TT Critical Analysis

بسم الله الرحمن الرحيم: به نام الله، که رحمان و رحیم است؛

In the Name of Allah, the Most Beneficent, the Most Merciful.

“In the Name of Allah, the ~~Most-All-Merciful~~Beneficent, the ~~Most-Ever-~~Merciful;”

“In the Name of Allah, the All-Merciful, the Ever-Merciful;”

- در سوره مبارکه حمد، توضیحات ذکر شد. برای مطالعه به تمرکز نیاز دارید؟ از آیت الله بهجت، رضوان الله تعالی علیه، پرسیده شد: چه کنیم که تمرکز فکر پیدا کنیم؟ فرمودند: ادکاری را که برای جمع کردن فکر مؤثر است مثل «لا اله الا الله»، زیاد بگویید. شخصی خدمت آیت الله بهجت، رضوان الله تعالی علیه، رسید و عرض کرد: برای نفی خواطر (پاکیزه کردن دل و ذهن از هر چه جز خدا) چه کنیم؟ فرمودند: ضدش را انجام دهید؛ یعنی استغفار کنید و صلوات بفرستید، که ضد آن خواطر^۱ هستند.

^۱ خواطر جمع خاطره است؛ اینجا، خاطره یعنی هر چه به ذهن خطور می کند. مثلاً انسان ممکن است هنگام نماز یا مطالعه یا در زندگی روزمره افکاری به ذهنش هجوم بیاورد که تمرکز یا آرامش یا طهارت قلب را از او بگیرد. این ها خاطره هستند.



آیه دوم

وَالْعَصْرِ: قسم به عصر،

تحلیل متن مبدأ/ ST Analysis

- سوره با واو شروع می شود. این واو، واو قسم است. بنابراین، آیه اول یک عبارت متممی (prepositional phrase) است. اما در ترجمه به clause تبدیل خواهد شد، که در بخش نقد ترجمه توضیح خواهیم داد.^۲
- معنای عصر اینجا ماهیت و جنس زمان است به طور کلی. درست است که برخی تفاسیر معتبر گفته اند عصر ظهور امام زمان عجل فرجه یا عصر ظهور اسلام یا نماز عصر یا.... هم مورد اشاره است اما این ها همه مصادیق هستند، نه معانی.

نقد و بررسی ترجمه/ TT Critical Analysis

وَالْعَصْرِ: قسم به عصر،

I swear by the Time.

I swear by ~~the Time~~ time_۲.

I swear by time,



- عطف به توضیحات بخش تحلیل متن مبدأ، اگر «والعصر» را به صورت عبارت / phrase 'by the time' ترجمه کنیم، برای انگلیسی زبان ابهام به وجود می آید و تصور می کند، منظور آیه ی اول، "by the passage of time" است. پس form را تغییر می دهیم تا معنا حفظ شود (ما برای حفظ مینینگ آمدیم.....نی برای حفظ فرمینگ آمدیم!) و phrase مبدأ را به صورت clause در مقصد ترجمه می کنیم.

- بنابراین، بسط/ expansion رخ می دهد: تک کلمه ی «و»، به سه کلمه «I swear by» تبدیل شده است.
- اگر on و to، همراه فعل swear بیاید، سبکش غیررسمی/informal می شود. لذا، بهترین حرف اضافه در سبک متون مقدس برای فعل حاضر برای مفهوم قسم خوردن by است.
- سوال: چرا the را از ترجمه حذف کردیم؟
- پاسخ: چون the Time یعنی زمانی معرفه و شناخته شده که مد نظر گوینده است. این the کارکردش حرف تعریف معرفه/ definite article است. اما عرض شد که در «العصر»، «ال» نشانه جنس و ماهیت است. در انگلیسی اسامی شمارش ناپذیر برای بیان جنس و ماهیت بدون حرف تعریف می آیند.
- سوال: حفظ مصداق به جای معنی در ترجمه ی قرآن مجید چه اشکالی دارد؟

پاسخ:

^۲ بیشتر مواقع، قسم subordinate clause یا subordinate phrase است زیرا به لحاظ معنایی به بعد خود وابسته است و برای اثبات مطلب بعد می آید.

- ترجمه-تفسیر به جای ترجمه، که جذائیت و کارکرد ترجمه را ندارد.
- ایجاد اختلاف بین مذاهب اسلامی؛^۳
- محدود شدن ظرفیت معنایی و مصداقی ترجمه (چون مجبوریم به نفع یک مصداق مورد عنایت در مذهب ما، چندین مصداق را از دور خارج کنیم)؛
- کاهش/از بین رفتن فرصت تدبیر: قرآن مجید به تدبیر دستور داده است (افلا یتدبرون القرآن ام علی قلوب اقلها؟! آیا در قرآن تدبیر نمی کنند؟ شاید هم دلشان قفل خورده است؟! و ذکر مصادیق به جای معنی باعث می شود از تدبیر دور شویم، چون محدود به همان می شویم که از فیلتر ذهن مترجم و یا از فیلتر تفسیر عبور کرده است و از مواردی که از این فیلتر عبور نکرده است خواننده را محروم می کنیم.
- آیا در I swear by time، کلمه ی time باید بزرگ نگاری شود (با capital letter شروع شود)؟ پاسخ:
- خیر. با توجه به توضیحات فوق، ترجمه نباید مصداق-محور باشد و بزرگ نگاری در این آیه موجب میشود، خواننده گمان کند مصداق خاصی مد نظر است و مفهوم ماهیت زمان حذف شود. اینجا بزرگ نگاری/capitalization، تقریباً به اندازه the، نقش معرفه کردن time را ایفا می کند.
- این آیه عبارتی وابسته به بعد خود است و استفاده از نقطه اشتباه است. ویرگول بهترین گزینه است، زیرا وابستگی و مرز را هم زمان نشان می دهد.

آیه سوم

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ: همه ی انسان ها در زیانند.

تحلیل متن مبدأ/ ST Analysis

- «إِنَّ» و «لَ» حرف تاکیدند و در انگلیسی به قید دیدگاه/adv. of point of view تبدیل می شوند. (به تعریف برخی اصطلاحات، مراجعه کنید).
- سوال: «ال» در الانسان چه کارکردی دارد؟ آیا ال معرفه/definite article یا ال ماهیت است؟ (به تعریف برخی اصطلاحات، مراجعه کنید). پاسخ:
- خیر. ال استغراق/full inclusion است زیرا الانسان به همه ی مصادیق انسان برمی گردد.
- ال معرفه نیست زیرا به انسان خاصی بر نمی گردد.
- ال جنس ماهیت نیست زیرا اگر ماهیت انسان زیانکار باشد، دیگر استثناء در آیه آخر معنی نمی دهد.
- پس این صحیح است: «همه ی انسان ها در زیانند، به جز دسته ای که...»
- خُسْر یعنی زیان از سرمایه؛ یعنی انسانِ خاسر، علاوه بر این که در این دنیا با سرمایه ی وجودیش به سود (سعادت) نمی رسد، سرمایه ی وجودیش را نیز از دست می دهد (وجودش ناقص می شود). مثلاً در قرآن مجید فرموده است برخی در قیامت کور محشور می شوند. این یعنی این که او در دنیا از چشم سر و چشم دلش برای درک حقایق دین استفاده نکرده است و نه تنها به آن حقایق نرسیده است بلکه به خاطر کم کاری، چشم دلش تنبل شده و سپس از کار افتاده است. او سرمایه ی دلش را از دست می دهد و خاسر و ناقص (کوردل و کور چشم) محشور می شود.^۴



إِنَّ
الْإِنْسَانَ
لَفِي
خُسْرٍ

^۳ در شرایطی که استکبار از تفرقه بین مسلمانان نهایت استفاده را می کند، به نظر بنده، ترجمه مفهومی از ترجمه مصداقی بهتر است؛ مثلاً در این سوره نباید العصر را به «قسم به عصر ظهور امام زمان (عجل الله فرجه) ترجمه کنیم. (می دانیم که بعضی مفسران «والعصر» را به دوران غیبت امام زمان (عجل فرجه)، بعضی به زمان بین نماز عصر تا مغرب و تفسیر کرده اند). قرآن وحدت بخش را نباید تفرقه انگیز ترجمه کنیم. والله هو الأعلَم.....

^۴ دلیل؟ سوره مبارکه اسراء: وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا (۷۲): هر آنکس که در این (دنیا) کور(دل) باشد، پس او در آخرت (نیز) کور و گمراه تر است.

نقد و بررسی ترجمه/ TT Critical Analysis

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِفِي خُسْرٍ: همه ی انسان ها در زیانند.

The Man is in the loss.

Verily all The Man-men is are in the loss.

Verily all Men are in loss.

- قید دیدگاه حذف شده بود، که اضافه شد. verily سبکش مناسب متون مقدس است، اما برخی معادل هایی که در کلاس پیشنهاد شد، نظیر surely و certainly سبکش خیلی مناسب متن مقدس نیست.
- all استغراق را منعکس می کند. the اشتباه است، زیرا به جای مفهوم استغراق، مفهوم حرف تعریف معین / ال معرفه را دلالت می کند.
- Man به صورت بزرگ نگاشته/capitalized اشتباه است زیرا به مصداق خاصی اشاره می کند که مد نظر متن مبدأ نیست.
- the قبل loss موجب می شود که «ال» انسان به معرفه (definite article) تبدیل شود، که اشتباه است.
- انتهای آیه نقطه درست نیست زیرا آیه ی بعدی ادامه ی این clause است.
- سوال: ممکن است فمینیست ها اعتراض کنند که «men» نگوئید، بلکه human beings بگوئیم. در پاسخ چه بگوئیم؟
- پاسخ: مجازات این فمینیست ها سوار شدن در پراید یا نیسان آبی یا خودرو چینی با اعمال شاقه است! 😊 قانع نشدید؟! پاسخ قانع کننده:
- برای اثبات درستی این معادل (man)، می گوئیم:
 - اولاً man در همه دیکشنری های معتبر انگلیسی-انگلیسی یکی از معانی اصلیش انسان است، مخصوصاً وقتی بدون حرف تعریف می آید؛
 - ثانیاً men مختصر و مفید و خوش آوا است؛
 - رابعاً، human beings:
 - طولانی است؛
 - ادبی/literary نیست؛
 - سبکش مناسب متن مقدس نیست.
- mankind، که در برخی ترجمه ها آمده است:
 - به مفهوم جنس و نوع انسان اشاره می کند (...kind). پس درست نیست.
 - مثل human beings طولانی است.

آیه چهارم

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ: مگر آنانکه ایمان می آورند، اعمال شایسته را انجام می دهند، یکدیگر را به حق سفارش می کنند و یکدیگر را به استقامت سفارش می کنند.»



تحلیل متن مبدأ/ ST Analysis

- کل این آیه برای این است که دایره ی مصادیق انسان های خاسر را محدود و عده ای را با خصوصیت های مطرح شده مستثنی کند.
- این آیه یک subordinate clause است که main clause آن، آیه ی قبلی است. بنابراین، وابسته به آیه ی قبلی است و به همین دلیل است که آیه قبلی نقطه نمی پذیرفت.
- زمان فعل/tense، گذشته ساده است، اما زمان/time این آیه، به دوره زندگی و رویکرد کلی یک انسان در زندگی اشاره می کند زیرا نمی شود کسی فقط در گذشته اهل ایمان و عمل صالح و توأصی به حق و توأصی به صبر بوده باشد، سپس در دوره های بعدی زندگی کوتاهی کند/از مسیرش دست کشد و بعد، از دایره خاسرین مستثنی شود.

- «الصالحات» یعنی همه اعمال شایسته ای که دین به آن دستور داده است. هر کس یکی از اعمال شایسته (واجبات و ترک محرمات، که در اولویت است) را ترک کند، به همان اندازه دچار خسران و از دست دادن سرمایه ی وجودیش می شود. پس «ال» نشانگر استغراق است. البته می تواند نشانگر معرفه باشد: اعمال صالح، که مجموعه ی آن در قرآن و سنت و سیره معرفی شده است. در ترجمه حاضر، «ال» را معرفه/definite article در نظر گرفتیم.
- عمل صالح یعنی عملی که با شکل خاص، نیت صحیح و قربه الی الله، در زمان و مکان و موقعیت درست انجام می شود.^۵
- توأسی: سفارش یکدیگر به کار/اعتقاد/گفتار حق. توأسی، سفارشی است با دلسوزی و عواطف انسانی و الهی و با اشتیاق برای نجات و هدایت یکدیگر.
- «الحق» ظاهراً یعنی حق – در برابر باطل – که البته مصادیقی هم دارد، اما اینجا به طور کلی حق در نظر می گیریم، با توجه به توضیحاتی که برای «والعصر» دادیم، راجع به انتقال مصداق/معنی.

صبر ظاهراً اینجا یعنی استقامت در مسیری که از خسران انسان را نجات می دهد. بیشتر مواقع، قَسَم، subordinate clause یا subordinate phrase است، زیرا به لحاظ معنایی، به بعد خود وابسته است و برای اثبات مطلب بعد می آید: An oath is a subordinate clause/phrase.

- «الصبر»: استقامت بر مسیر ولایت ائمه اطهار، علیهم السلام، و طبق حدیث امام زمان، عجل الله فرجه الشریف، در زمان غیبت، تبعیت از ولی فقیه؛ این صبر و استقامت احتمالاً همان است که در جایی از قرآن مجید فرموده است: **إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ (۳۰ فصلت)**: همانا کسانی که گفتند پروردگار ما الله است و سپس استقامت ورزیدند، فرشتگان بر آنان نازل می شوند (و می گویند): ترسید و غمین مباشید و بشارت باد شما را به بهشتی که به آن وعده داده می شدید.

نقد و بررسی ترجمه/ TT Critical Analysis

أَلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بالصَّبْرِ؛ مگر آنانکه ایمان می آورند، اعمال شایسته را انجام می دهند، یکدیگر را به حق سفارش می کنند و یکدیگر را به استقامت سفارش می کنند.

Except Those Who believed and did the Good Deeds and recommended each other to the Truth and Patience.

~~Except Save those who believed, and did do the Good righteous dDeeds, and recommended exhort each other one another to the tTruth and exhort one another to steadfastnessPatience.~~

Save those who believe, do the righteous deeds, and exhort one another to the truth and exhort one another to steadfastness.

- save از except بهتر است زیرا : save
- موجز است (تک سیلابی است، در برابر except که دو سیلابی است)؛
- خوش آوا است، زیرا به لحاظ آوایی/phonological:
- save اصوات انفجاری ندارد و مجموعاً نرم و دلنشین است؛
- except سه صدای انفجاری /k/ & /p/ & /t/ دارد و گوش خراش است؛
- سبک آن ادبی است و مناسب متون مقدس.
- دلیلی ندارد those who بزرگ نگاری شود زیرا به گروهی عام بر می گردد با خصائصی که ذکر شده، نه به افراد خاص.
- دلیلی ندارد معادل انگلیسی «اعمال صالح» بزرگ نگاری شود، به همان دلیل فوق الذکر: به اعمال خاصی بر نمی گردد، بلکه به اعمال صالح تعریف شده در دین دلالت می کند.
- زمان فعل، حفظ شده است و موجب تغییر معنی (زمان جمله) شده است. به بیان دیگر، ترجمه ی مورد بررسی، به لحاظ بعد زمانی، تحت اللفظی و نادقیق است.

^۵ مثلاً، سکوت، که درباره ی ارزش آن بسیار در روایات آمده است، در زمان نامناسب – مثلاً وقتی باید از حق دفاع کرد – عمل صالح نیست، یا، مثلاً، تبری – در مکان/زمانی که باعث تفرقه و تضعیف وحدت مسلمانان می شود – عمل صالح که نیست، هیچ، گناهی بزرگ است.

^۶ قال رسول الله، صلى الله عليه و آله وسلم: على مع الحق و الحق مع على؛ (عليه السلام) همراه حق است و حق همراه علی (عليه السلام) است. پس سفارش به حق یعنی سفارش به صراط مستقیم، که تجلی آن همان مسیر و مکتب اهل بیت، علیهم السلام، است.

- «good» ترجمه به عام (undertranslation) است، زیرا دایره کار خیر بسیار وسیع تر از اعمال صالح تعریف شده در قرآن و روایات است. بنابراین، «صالح» را به Yrighteous ترجمه می کنیم تا دقت ترجمه حفظ شود.
- recommend^۸ ویژگی هایی که در بخش تحلیل متن مبدأ برای تواسی برشمرديم را منعکس نمی کند. (نگاه کنید به بخش قبلی). recommend نسبتاً بی روح، سرد و حاکی از موضعی خونسرد و بی تفاوت است. بنابراین از^۹ exhort – که به مفهوم تواسی نزدیکتر است و معنای تلاش و احساس دلسوزی را در بردارد – استفاده می کنیم.
- سبک بیانِ each other خنثی است اما one another سبکی رسمی تر، ادبی و مناسب متن مقدس دارد.
- Patience دو ایراد دارد:
 - به معنای تحمل و صبوری است و با مفهوم مورد نظر در صبر که در بخش تحلیل متن مبدأ گفتیم، تناسب ندارد. لطفاً تعریف patience را در یادداشت ها یا فرهنگ لغت انگلیسی-انگلیسی نگاه کنید.
 - بزرگ نگاری/capitalization شده است، در حالی که بنا بر تفسیر منتخب ما، استقامت در مسیر ولایت الله به طور کلی مد نظر است و مصداق خاصی مد نظر نیست.^{۱۰}
- بنابراین، steadfastness را برمی گزینیم، که با خصوصیات مفهوم مورد نظر «صبر» در بخش تحلیل متن مبدأ، هم خوانی نسبتاً کاملی دارد. تعریف این کلمه را نگاه کنید.^{۱۱}
- علامت نقل قول مستقیم (گیومه) را در انتهای ترجمه ی سوره فراموش نمی کنیم. به توضیحات در بحث سوره مبارکه حمد مراجعه کنید.
- نیز در انتها از گذاشتن نقطه فراموش نمی کنیم. هرگز نشه فراموش.....نشه  نگارش خاموش!

تعریف برخی اصطلاحات

- قید دیدگاه/ adverb of point of view چیست؟ پاسخ: قیدیست که:
 - معمولاً در ابتدای جمله می آید؛
 - جزء نهاد و گزاره نیست؛
 - نشان دهنده ی دیدگاه، موضع یا برداشت گوینده از یک واقعه یا وضعیت است. مثلاً، ممکن است تردید، خوشحالی، یقین یا تمایل گوینده را بیان کند.
 مثال: وقتی می گوئیم «مژده ای دل که مسیحا نفسی می آید * که ز انفاس خوشش بوی کسی می آید»، شاعر با «مژده ای دل» – که نه جزء نهاد است و نه جزء گزاره – خوشحالی و ذوق و شوق خودش را نسبت به نزدیک شدن ظهور حضرت مهدی، عجل الله تعالی فرجه الشریف، ابراز می کند. پس این «مژده ای دل» می تواند قید دیدگاه باشد.
- «ال» استغراق چیست؟ پاسخ:
 - وقتی در عربی «ال» به همه ی مصادیق یک کلمه اشاره می کند، به این «ال»، «ال استغراق»/ full inclusion می گوئیم. مثلاً در سوره مبارکه حمد، «الحمد» و «العالمین» به همه ی مصادیق حمد و عالمین اشاره می کنند. در سوره مبارکه العصر نیز «الانسان» همین حالت را دارد. (البته این اسم full inclusion، اسمی است که در انگلیسی برایش بر ساختم و نمی دانم در دستور زبان انگلیسی آیا همچین چیزی هست یا نه. از روی ضرورت نامش را این چنین برگزیدم).
 - وقتی کلمه ای در قرآن مجید مصادیق مختلف دارد، ترجمه ی آن باید چگونه باشد؟ پاسخ:

⁷ See the definition of 'righteous' in a valid monolingual dictionary.

⁸ See the definition of 'recommend in a valid monolingual dictionary.

⁹ exhort: make urgent appeals

^{۱۰} البته ما تفسیر و تحلیلی را انتخاب کردیم که با رویکرد ما در ترجمه متناسب است و راه برای تحقیق و نظر مخالف باز است.

^{۱۱} به طور کلی، هرگاه از شما خواسته ام موردی را در یادداشت های خود یا فرهنگ لغت نگاه کنید، حتماً مراجعه کنید، چه در این سوره و چه سوره ها و جلسات دیگر.

ترجمه قرآن مجید در مواردی که مصادیق متکثرند^{۱۲} و ابهامِ مصداقی وجود دارد،^{۱۳} به دو صورت ممکن است:

◦ ترجمه به مصداق، که معمولاً^{۱۴} چهار ایراد دارد:

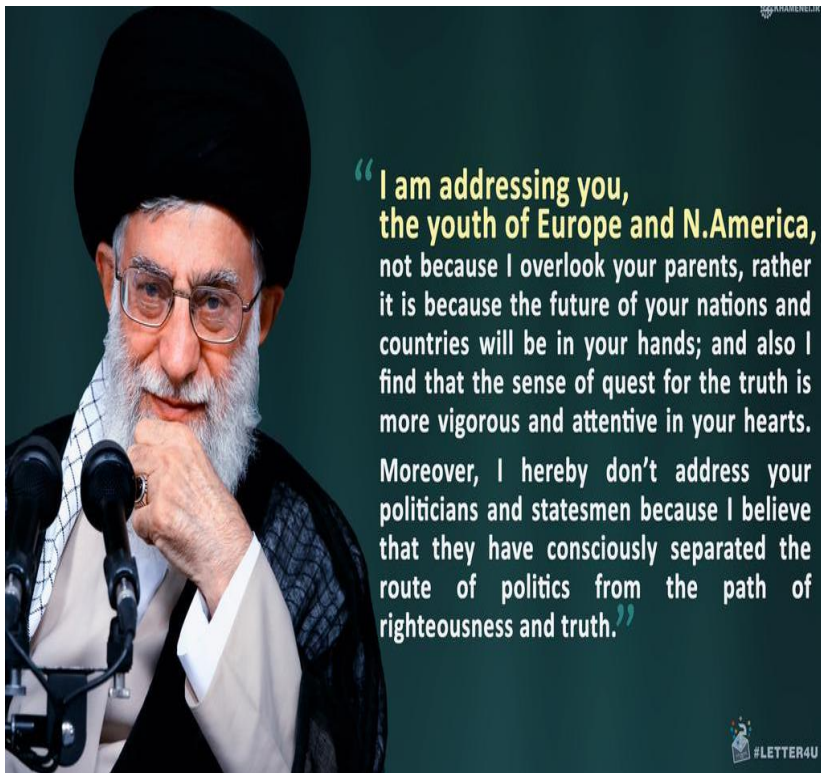
- مصادیق متعدد هستند و انتخاب بهترین، دشوار و مستلزم از دست دادن سایر مصادیق مهم است.
 - معمولاً مصادیق متغیرند و نمی توان ترجمه را به عنصری که ثبات ندارد پیوند داد.^{۱۵}
 - گاهی محوریت ذکر مصادیق به جای معنی در ترجمه، موجب اختلاف مذهبی می شود.
 - فیلتر مصداق ممکن است باعث شود جولان ذهن مخاطب کم شود و تدبیر که از اهداف اصلی قرآن مجید است مورد غفلت واقع شود.
- ترجمه به مفهوم، که حداقل سه مزیت دارد:

- ظرفیت معنایی و مصداقی حفظ می شود.
- تدبیر بهتر میسر می شود.
- وحدت بخش و تحقیق برانگیز است.

انتهای بحث سوره مبارکه العصر.....

والحمد لله رب العالمین.....

<http://farsi.khamenei.ir/ndata/news/28865/index.html>



اگر شما هم مایلید در انتشار نامه رهبر بصیرمان در اروپا و آمریکا - و کمک به بیداری اسلامی و زمینه سازی برای ظهور منجی عالم بشریت - سهیم باشید، لطفاً به پیوند فوق سر بزنید. یا مهدی.....

اللهم عجل لولیک الفرج و احفظ قائدنا الامام خامنه ای حتی الفرج و بعده لمدۀ طویله.....

^{۱۲} متعدد/بی شمار هستند

^{۱۳} یعنی با اطمینان نمی توان یکی از مصادیق را به عنوان بهترین و مناسب ترین مصداق انتخاب کرد.

^{۱۴} ممکن است گاهی لازم شود، برخی کلمات قرآن مجید را مصداقی ترجمه کنیم، که بستگی به مخاطب و شرایط و اهداف خاص در ترجمه دارد.

^{۱۵} قاعده جری را یادتان هست؟

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

د. سوره مبارکه کوثر

متن کامل سوره

«به نام الله، که رحمان و رحیم است؛	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
همانا ما به تو خیر کثیر را عطا کردیم؛	إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ
پس برای پروردگارت نماز (شکر) بگزار و شتر قربانی کن،	فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ
زیرا دشمن سرسخت تو خود منقطع (از خیر) است.»	إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ



عنوان سوره: Surah Al-Kauthar (Chapter, The Abundance of Good)

- «ث» را در حرف نگاری به انگلیسی با th نمایش می دهیم.^۱
- «أو» را در حرف نگاری به انگلیسی با ou نمایش می دهیم، زیرا این ترکیب در بسیاری از کلمات همین صدا را دارد: house, mouse, blouse, arouse, south, etc.
- عنوان همه ی سوره ها در ترجمه به انگلیسی، با بزرگ نگاری/capitalization ترجمه می شود، که در صورت بسط/expansion، همه اجزای ترکیب بزرگ نگاری می شود: The, Abundance, Good.^۲

آیه اول

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ: به نام الله، که رحمان و رحیم است؛

تحلیل متن مبدأ/ST Analysis

- در سوره مبارکه حمد تحلیل انجام شد.

نقد و بررسی ترجمه/TT Critical Analysis

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ: به نام الله، که رحمان و رحیم است؛

In the Name of Allah, the Most Beneficent, the Most Merciful.
 “In the Name of Allah, the Most-All-MercifulBeneficent, the Most-Ever-Merciful;”
 “In the Name of Allah, the All-Merciful, the Ever-Merciful;”

- در سوره مبارکه حمد توضیحات ذکر شد.

آیه دوم

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ: همانا ما به تو خیر کثیر را عطا کردیم؛

تحلیل متن مبدأ/ST Analysis

- این سوره ی مبارکه، با قید دیدگاه شروع می شود: «إِنَّ» دیدگاه الهی را می رساند که قطعاً چنین اتفاقی خواهد افتاد.^۳

¹ Source: Merriam Webster Dictionary, the entry on ‘alphabet’

^۲ روشن است که حروف اضافه و ربط، معمولاً از این قاعده مستثنی هستند: Of بزرگ نگاری نشده است.

^۳ قید دیدگاه معمولاً ارتباط مستقیم و قطعی با واقعیت/حقیقت ندارد و صرفاً برداشت یا موضع یا احساس گوینده را منعکس می کند، که ممکن است دقیق نباشد، مگر این که گوینده خدای علیم باشد یا معصومین، علیهم السلام، و در برخی موارد، نمایندگان و نواب خاص یا عام آن حضرات.

- «نا» به معنای «نحن» در عربی و «ما» در فارسی، نشان می دهد، خدای متعال امین و راستگو و قدرشناس است. اگر در امری واسطه هایی باشند، آن ها را هم ذکر می کند و لذا فعل جمع به کار می برد. در بحث توحیدی خدای متعال حرف از «من» می زند، چون بحث یگانگی است، اما اگر مثلاً بحث نزول قرآن باشد - که طی آن، جبرئیل و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز مشارکت می کنند- می فرماید: **إِنَّا هَمَانَا «ما»/نحن؛ ما.**
- إعطاء با ایتاء فرق دارد. اولی نشان دهنده ی عظمت و اهمیت مطلبی است که قرار است داده شود. اینجا وجود نازنین حضرت زهرا سلام الله علیها و نسل بابرکت ایشان قرار است به پیامبر، صلی الله علیه و آله و سلم، هدیه شود. در ترجمه باید معادل مناسبی یافت که این ویژگی را - عظمت و اهمیت مطلب - منتقل کند.
- خطاب «ک» به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است. آیا در ترجمه نام حضرت به عنوان منادا آشکارسازی^۴ می شود؟ پاسخ: قسمت نقد و بررسی ترجمه.
- کوثر: اسم است، به معنای خیر کثیر یا کثرت بابرکت، - همان شجره طیبه که ریشه اش ثابت در زمین و شاخه هایش در آسمان است و هر لحظه میوه می دهد.^۵

نقد و بررسی ترجمه/ TT Critical Analysis

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ: همانا ما به تو خیر کثیر را عطا کردیم؛

We have given ye the abundance.

Verily, We have given grant thee ye the Abundance of Good.

Verily, We grant thee the Abundance of Good,

- قید دیدگاه حذف شده بود، که اصلاح شد. در متون مقدس، بهترین معادل^۶ که بر یقین دلالت می کند، کلمه ی verily است، که در انجیل هم استفاده شده است.
- با این که در بخش قبلی گفتیم که منظور از **إِنَّا «همانا ما»** است، بزرگ نگاری We در جای خود محفوظ است، چون سرسلسله علل، خود خدای متعال است.
- معادل مناسب برای مفهوم اعطاء، که بالا گفتیم، همین grant است. ایراد give این است که مفهوم شکوه و بزرگی إعطاء و هدیه بزرگ الهی را نمی رساند.
- ye سبکس مثل thee است، اما:
 - مفهومش دوم شخص جمع (شما) است، که اشتباه است؛
 - اینجا چون مخاطب، رسول اکرم، صلی الله علیه و آله و سلم، است، باید «ک» به تو (دوم شخص مفرد) ترجمه شود: thee.
- آشکارسازی مرجع ضمیر thee درست نیست زیرا رویکرد ما به سمت ترجمه و تدبر است نه ترجمه-تفسیر و بستن دست خواننده در تدبر و تحقیق و مطالعه!
- برای کوثر، خلاء واژگانی/lexical gap در زبان مقصد داریم؛ بنابراین، باید از بسط/expansion استفاده کنیم تا بتوانیم مولفه های معنایی را به صورت حداکثری منتقل کنیم: the Abundance of Good.
- مترجم با ترجمه «کوثر» به the abundance، ترجمه اش مشمول undertranslation/ترجمه خاص به عام شده است، زیرا دایره مفهومی را باز کرده است و از خیر کثیر به «کثرت مطلق» تغییر داده است.^۷

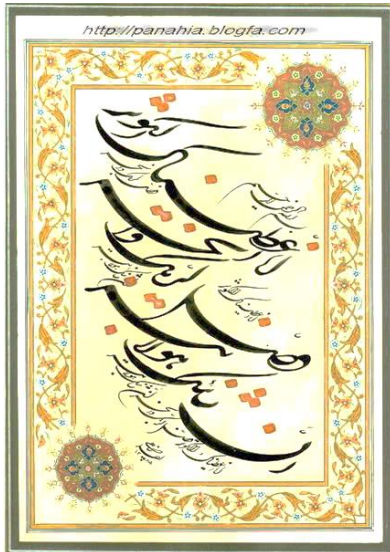
4 explication

^۵ (برای مطالعه): کوثر و درخت طیبه در قرآن مجید، همان عترت و اهل بیت علیهم السلام هستند و توصیف شان در قرآن مجید شبیه هم است: **أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ (۲۴) تُوْتِي أكلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا ۗ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (۲۵)** درخت پاکیزه ریشه اش (در مزرعه ی دنیا) مستقر و شاخه هایش در آسمان (معنوی و آخرت برافراشته) است. هر لحظه میوه اش را به اذن الهی می دهد.... و شجره خبیثه و ابتر نیز بسیار شبیه هم توصیف شده اند: **وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ (۲۶)** و درخت ناپاک در زمین ریشه و استقرار و ثباتی ندارد..... **يُثْبِتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ ۗ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ ۗ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ (۲۷)** ...الله کسانی را که ایمان آورده اند را با کلام (و عقیده ی) ثابت در زندگی دنیوی و در آخرت تثبیت می کند و الله ستم گران را گمراه می کند.

^۶ تا جایی که بنده مطلع هستم

^۷ ترجمه از خاص به عام و بالعکس در ترجمه متون مقدس اشتباه است، مگر دلیلی موجه داشته باشد. (به تعریف برخی اصطلاحات در پایان بحث این سوره نگاه کنید).

- بزرگ نگاری کوثر (the Abundance of Good) به این خاطر است که مصداق اصلی کوثر، حضرت صدیقه طاهره، سلام الله علیها، و اهل بیت عترت و طهارت، علیهم السلام، از نسل ایشان است. بنابراین، با capitalization در خواننده انگیزه ای برای تحقیق و بررسی ایجاد می کنیم.^۸
- tense مبدأ، گذشته، اما آن آینده نزدیک قطعیت. مثل این می ماند که در بزنند و بگوئیم: «اومدم!» و منظورمان این باشد که در آینده نزدیک قطعی خواهیم آمد. مترجم زمان فعل را حفظ کرده، زمان جمله را و نتیجتاً معنی را تغییر داده است. خواننده انگلیسی زبان، با دیدن «have given» تصور می کند این اعطای کوثر در عالم ملک رخ داده، تولد حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها واقع شده است، در حالی که این سوره قبل میلاد نازل شد. برای حفظ معنا (اینجا زمان) باید صورت، (اینجا زمان فعل)، را تغییر دهیم. tense مناسب برای بیان آینده نزدیک قطعی در انگلیسی می تواند حال ساده باشد، که اصلاح شد.^۹
- نقطه در پایان آیه مناسب نیست، زیرا آیه بعد نتیجه گیری از این آیه است و ارتباط مستقیم و نزدیکی باهم دارند و با نقطه این ارتباط تضعیف می شود. آیه بعد با coordinating conjunction/fanboys شروع می شود (یعنی با So شروع می شود)؛ لذا، در انتهای آیه حاضر، ویرگول می آید.



آیه سوم

فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحِرْ: پس برای پروردگارت نماز (شکر) بگزار و شتر قربانی کن.

تحلیل متن مبدأ/ ST Analysis

- «ف» حرف ربط نتیجه گیری است: این آیه نتیجه گیری آیه قبلی است: حال که به تو کوثر را عطا کردیم، نتیجه منطقی این است که نماز بگزاری و قربانی کنی.
- صلّ: نماز بگزار.
- ل: برای.
- «نحر» حداقل دو معنی دارد:
 - قربانی کردن شتر؛
 - بالا بردن دست ها هنگام تکبیرة الاحرام نماز.
- اگر معنای اول را در نظر بگیریم، عظمت هدیه ی الهی را می رساند، که باید متناسب با آن قربانی کرد و اگر دومی را در نظر بگیریم، باز هم یعنی این نماز را با آدابش به جا بیاور، که نعمت خاص، شکر خاص می طلبد. در مباحث کلاسی، معنی اول را در معادل یابی مد نظر قرار دادیم.

نقد و بررسی ترجمه/ TT Critical Analysis

فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحِرْ: پس برای پروردگارت نماز (شکر) بگزار و شتر قربانی کن.

Then pray unto your Lord and sacrifice.

^۸ ممکن است با خود بگویید، «ای بابا! تا به حال که تاکید می شد به مصادیق توجه نکنیم!» پاسخ: در موارد قبلی، مصادیق، زیاد بودند (مثلاً در مورد «العصر») اما در مورد حاضر، مصداق اصلی، همه مصادیق دیگر را شامل می شود و آن طور که بنده مطالعه کرده ام، موارد دیگر نظیر چشمه کوثر، قرآن، نهری در بهشت و منبع معتبر و موثقی ندارند. فخر رازی از بزرگان علمای اهل سنت نیز می نویسد: معنای سوره این است که خداوند به پیامبر [صلی الله علیه و آله وسلم] نسلی می دهد که در طول زمان باقی می ماند. بنگر چه تعداد از خانواده وی کشته شدند، در حالی که عالم از فرزندان رسول خدا [صلی الله علیه و آله وسلم] مملو و آکنده است و هیچ کس از خاندان بنی امیه نمی تواند با وی در این زمینه برابری نماید، و نیز دقت کن که چگونه از نسل پیامبر [صلی الله علیه و آله وسلم]، علمای بزرگواری مانند باقر، صادق، کاظم، رضا، و نفس زکیه [علیهم السلام] پدیدار شدند.»

^۹ مثلاً، در بافت موقعیت/ situational context فرودگاه، از simple present برای اعلان رسمی پرواز هواپیما – که برنامه ریزی شده و قطعاً زود رخ می دهد – استفاده می شود: The return flight departs at 3 am and arrives at its destination at 8 am (= will sure depart/arrive soon).
به همین منوال، اعطای کوثر در کتاب الهی قطعی شده است و برنامه ی آن در عرش ریخته شده و خدای متعال در کتاب قرآن مجید به صورت رسمی آن را اعلان می کند و تاریخ نیز آن را ثبت کرده است که در آینده ای نزدیک بعد نزول سوره ی مبارکه ی کوثر، این تولد مبارک رخ داد: این بشارت به وقوع پیوست و حضرت زهرا، سلام الله علیها، متولد شدند و نسل مطهر ائمه اطهار، علیهم السلام، و سادات، حفظهم الله، تا امروز، بزرگ ترین و بابرکت ترین نسل تاریخ بوده است، با وجود این که میلیون ها نفر از سادات را دشمنان عترت به قتل رسانده اند.

Then-So perform prayers unto for your thy Lord and sacrifice camels-
So perform prayers for thy Lord and sacrifice camels,

- Then حرف نتیجه گیری است و نیز توالی زمانی را در بر دارد، پس مبهم است، اما در این جا «ف» صرفاً نتیجه گیری معنی می دهد، پس از معادل So استفاده می کنیم، که ابهام ندارد.
- pray در انگلیسی مفهوم نماز به شکل کامل که در اسلام مطرح شده و آداب و حرکات خاصی دارد را دلالت نمی کند، اما prayers مفهوم نماز خواندن را تا حدودی می رساند. گذاشتن s جمع، به دلیل چند رکعت بودن نمازها^{۱۰} است. برای prayers از فعل perform استفاده می کنیم و حرف اضافه unto را به for تغییر می دهیم، زیرا با unto perform prayers همایی (collocation) ندارد.
- به جای your از thy استفاده می کنیم زیرا:
 - مناسب سبک متون مذهبی است؛
 - جنبه زیباشناختی نیز دارد.
- نحر به قربانی کردن شتر دلالت دارد اما sacrifice به تنهایی معنای قربانی کردن شتر به صورت خاص را در بر نمیگیرد، پس camels را به آن اضافه می کنیم. مترجم با به کار بردن sacrifice، ترجمه اش دچار undertranslation شده است زیرا دایره مفهومی را بازتر و گسترده تر کرده و مرغ و گوسفند و گاو و بوقلمون را هم وارد دایره ی قربانی کرده است (مترجم مشکوک به حمل اسلحه کشتار جمعی است!) (⊗)
- در پایان این آیه، نقطه نمی گذاریم، زیرا با آیه بعدی در ارتباط است: آیه ی بعدی دلیل این آیه است، یعنی اگر می گوئیم نماز شکر بگذار و قربانی کن به خاطر این است که مژده می دهیم به زودی با میلاد زهرای اطهر، سلام الله علیها، نسل و مسیر عترت با برکت، فزونی می گیرد و نسل و مسیر دشمنان در سراسیمه سقوط و بی برکتی قرار می گیرد. آیه ی بعدی با fanboys شروع می شود؛ بنابراین، آخر این آیه، قبل For، قرار می گیرد و به همین دلیل، ویرگول می گذاریم.

آیه چهارم

إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ: زیرا دشمن سرسخت تو خود منقطع (از خیر) است.»

تحلیل متن مبدأ/ST Analysis

- «إِنَّ» ابهام دارد و دو معنا از آن برداشت می شود:
 - قید دیدگاه- دال بر قطعیت مطلب بعد آن - است.
 - حرف ربط است، که این آیه را دلیلی بر آیه ی قبلی نشان می دهد: اگر گفتیم نماز و قربانی.... دلیلش این است که دشمنان تو در سراسیمه سقوطند.
- «شانی» دشمن سرسخت کینه توز را می گویند.
- نهاد جمله: شانی؛ گزاره آن: ابتر. بنابراین، «هو» نهاد نیست، بلکه ضمیر تاکید (و دقیق تر از آن، ضمیر تصحیح/قید تصحیح) است. خدای متعال می فرماید: عاص بن وائل و هم فکرانش اگر تصور می کردند با مرگ پسران نسل و راه و تفکر تو منقطع می شود، در اشتباهند. ادعای باطلشان را تصحیح می کنیم: خودشان منقطع از خیر و برکت و فزونی و محروم از ادامه نسل و مسیرند، آن هم با میلاد حضرت زهرای اطهر، سلام الله علیها. این است معنای قید تصحیح «هُوَ».
- «ابتر» یعنی منقطع و می تواند مقطوع النسل باشد یا منقطع از خیر و ادامه ی مسیر فکری. ظاهراً دومی به واقع نزدیکتر است، هرچند اولی نیز تحقق یافته است.
- ابتر دقیقاً مقابل کوثر است: اولی یعنی منقطع از خیر و برکت و نسل و دومی یعنی دارای تداوم و برکت. پس در واقع در آیه اول، «کوثر» نیز کارکرد تصحیح و ردّ ادعای باطل عاص بن وائل و هم فکرانش دارد.



^{۱۰} به استثناء موارد معدود، نظیر نماز وتر نماز شب و نماز احتیاط

نقد و بررسی ترجمه/ TT Critical Analysis

إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ: زیرا دشمن سرسخت تو خود منقطع (از خیر) است.»

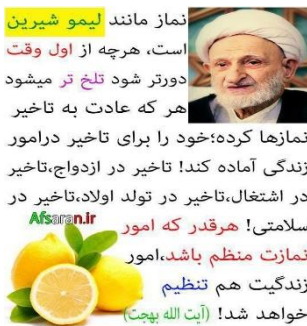
For sure your enemy is cut off.

For sure verily, thy ~~your~~ bitter enemy is the one cut off (from good).¹¹

For, verily, thy bitter enemy is the one cut off (from good).¹¹

• For sure

- اگر آن را به معنای certainly در نظر بگیریم^{۱۱}، همان طور که در پاورقی آمده است، غیر رسمی است و سبکش با متون مقدس همخوانی ندارد.
- اگر For را حرف ربط همپایه (جزء fanboys) در نظر بگیریم و sure را قید دیدگاه بنامیم، باز هم sure به معنای certainly غیر رسمی است و مناسب سبک مورد نظر ما نیست.
- پس هم مبهم است و هم غیر رسمی و این دو ایراد را نمی توان نادیده گرفت.
- لذا، به عنوان قید دیدگاه، معادل verily را انتخاب می کنیم (توضیحش در سوره مبارکه عصر آمد)؛ حرف ربط For را نگاه می داریم چون برای ذکر دلیل، سبکش رسمی و کلمه ای موجز و مفید است.
- your با thy جایگزین می شود (توضیحات در مباحث سوره های قبلی).
- enemy ترجمه به عام/undertranslation است زیرا هر نوع دشمنی را در بر می گیرد. با افزودن صفت bitter، دایره ی مفهومی مقصد به مبدأ نزدیک می شود و undertranslation برطرف می شود.
- در ترجمه ی انگلیسی، قید تصحیح منتقل نشده است. مزیت معادل the one:
- ابهامِ himself را ندارد و شامل همه ی دشمنان - فارغ از جنسیت مذکر یا مؤنث - می شود.^{۱۲}
- the one در زبان انگلیسی اگر در موقعیت و ساختار مناسب قرار گیرد، می تواند به معنای تصحیح بیاید. مثلا در فارسی می گوئیم: «اونی که باید ناراحت باشه، تو هستی!» در انگلیسی، ترجمه اش می شود: The one to be upset is you, not me. البته the one کاهش یافته the one who is است.^{۱۳}
- cut off ترجمه به عام است، زیرا هر نوع انقطاع و مقطوع شدن را در بر می گیرد. اگر بنا را بر تفسیر منتخب بگذاریم، برای برطرف شدن undertranslation، از بسط استفاده می کنیم: cut off (from good). دلیل استفاده از پراتنز: نمی خواهیم راه را بر تدبر و تحقیق ببندیم و به خواننده بگوئیم: با پراتنز به او می گوئیم: «این تفسیر منتخب ماست و تفاسیر دیگر هم موجود است.»



صدق الله العلی العظیم. the Great, said the truth. Allah, the Eminent,

¹¹ for sure (informal): without doubt. E.g. "I can't say for sure what they really mean."

(<https://www.google.com/search?q=%22for+sure%22+means&ie=utf-8&oe=utf-8#q=%22for+sure+means%22>)

^{۱۲} البته در بحث سوره ی مبارکه ی عصر عرض شد که انتقاد زبانشناختی فمینیست ها معتبر نیست و آن ها را سوار پراید کردیم! اما اینجا ما به دنبال رفع ابهام برای بازماندگان آن ها هستیم، نه رسمیت دادن به ادعای آنان.

¹³ which is a case of reduction of adjective clauses.

تعریف برخی اصطلاحات



- سوال: استاد! این overtranslation و undertranslation چی هستند که این قدر تکرار می کنید؟! آخه به بار درست و حسابی توضیح بدین تا ما قاطی نکنیم! پاسخ: دست مریزاد! یعنی من تا به حال درست و حسابی توضیح ندادم؟! خیلی خوب. این هم یک بار دیگه: اگه به یک انگلیسی زبان بگیم پیتون^{۱۴} وارد بازار شد، می گوید:

“Whatever is Python?! Do you mean the snake?!”

آخر آن بدبخت که خبر ندارد ما راجع به خودرو صحبت می کنیم! حال اگر ترجمه کنیم:

«the Iranian automobile»، تازه متوجه می شود، منظور ما از پیتون، خودرو ملی ایران است. این ترجمه به عام است، زیرا دایره مفهومی از یک مورد خاص (پیتون) به خودرو (مفهومی عام) گسترش یافت. به «ترجمه خاص به عام»، «undertranslation» می گوئیم. برای این که یادتان نرود، این کلمه با «U» شروع می شود، که مانند دایره ای است که از سمت بالا پاز شده است (ترجمه عام ترجمه ایست که دایره مفهومی را بازتر کرده است). سر نخ دیگر: اینجا U و «عام» هر دو صدای «آ» دارند: ترجمه عام/آندرترنسلیشن.

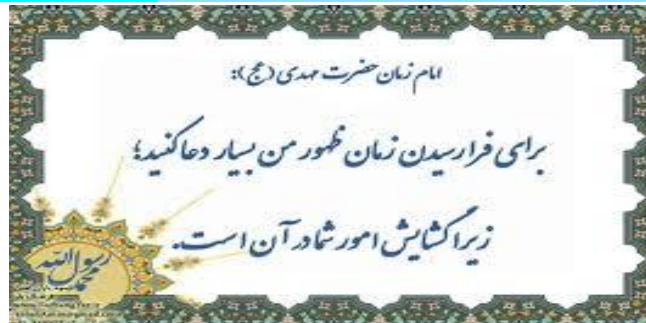
- حالا اگر بروشورِ پودر رخت شویی و مایع ظرفت شویی را بخوایم برای آن آدم های قدیمی که کلمه ی «پودر رخت شویی و...» را نمی شناسند - مثلاً برای هاجر خانم، صاحبِ خونه ی هاجر، که همیشه پشت خونه شون بارون میاد جرجر - ترجمه کنیم، احتمالاً باید ترجمه کنیم: «دریا» و «ریکا»! دریا و ریکا اسم خاص هستند برای دو محصول ملی با قدمت دهه شصت و دایره مفهومی بسته و محدود دارند. به این تحدید/محدود کردن در ترجمه می گوئیم: overtranslation/ترجمه از عام به خاص. برای این که یادتان نرود، این کلمه با O شروع می شود: دایره ای بسته. ترجمه خاص/overtranslation دایره مفهومی را می بندد و محدود می کند، چون هرچه باشد «دریا» و «ریکا» شامل همه مصادیق پودر رخت شویی و مایع ظرف شویی - از قبیلِ پرسیل، ایلیکا، رخت، بانو، بارفتن، پریل، آو، گلی، تاز، پراید^{۱۵} و..... - نمی شود! (قصدمان تبلیغات نبود! در آفیس ورد، امکاناتِ مربوط به شطرنجی کردن را ندیده ام!) (⊗)



انتهای بحث تحلیل متن مبدأ/ST Analysis/ نقد و بررسی ترجمه/ Critical Analysis/ سوره مبارکه کوثر

یک سوال را هر روز از خود بپرسیم: آیا برای مواجه شدن با یوسف فاطمه، سلام الله علیهما، آماده شده ایم؟ برای نزدیک تر شدن فرج بهترین عزیزمان، چه کرده ایم؟ چه می توانیم بکنیم؟ او به فکر ماست، صبح و ظهر و شام؛ آیا ما به فکر او هستیم، صبح یا ظهر یا شام؟ اللهم عجل لولیک الفرج و احفظ قائدنا الامام خامنه ای حتی الفرج و بعده لمدة طويلة. مکاتبه با اینجانب راجع به آزمون، مطالب علمی-پژوهشی، مطالب درسی و مباحث قرآنی و موضوع ظهور امام عصر، عجل الله تعالی فرجه الشریف:

mohammadyazdaniets@yahoo.com/gmail.com



^{۱۴} پیتون خودرو ملی تمام ایرانی است که توسط ایمان مقصدی طراحی شده، مطابق استانداردهای جهانی است.

^{۱۵} این یکی دیگر پرایدی که مترجم قصه مان را با اعمال شاقه سوارش کردیم نیست! صابون رخت شویی براید منظورم بود! (⊗)